آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۲۷ سه‌شنبه پانزدهم مهرماه ۱۳۵۹ بها ۱۵ ریال

ارتش آرمانخواه، پایندان استقلال ملی است

توطئه دشمنان ملت را باید درهم شکست

هشدارهای حزب ملت ایران پیرامون نیرومندسازی ارتش

در صفحه دوم

شناخت گسترهٔ ایران زمین

- نقش برجسته عاملهای طبیعی و فرهنگی در سازمان‌یابی مرزها
- ایران در یکی از بنیادمندترین حرکتهای تاریخی خود

بقیه در صفحه چهارم

پیدا شدن هرواحد اجتماعی و سیاسی برروی هرسرزمین ویژه و شکل‌گیری آن در برابر واحدهای اجتماعی و سیاسی همانند، از کهن‌ترین روزگار «مسائل مرزی» و کشمکش‌های گوناگون در رابطه با آن را، بوجود آورده است.

تاریخ کشورهای جهان نشان میدهد که برای هیچ ملتی، مرزهای تغییر ناپذیر در همه جهتها باقی نمانده است.

با اینکه در بوجود آمدن مرزها عامل سیاسی و دگرگونی‌های حکومتی در واحدهای اجتماعی اهمیت یافته‌اند، اما عاملهای فرهنگی از یکسو و عاملهای طبیعی از سوی دیگر در سامان پیدا کردن تاریخی آن نقش بنیادی داشته‌اند و بهمین دلیل در تاریخ ملتها از **مرزهای فرهنگی** و مرزهای طبیعی **کشورها سخن بمیان آمده است.**

اقتصاد کشور را باید از تباهی رهانید

از سیاست‌های اقتصادی ناهم‌آهنگ دست بردارید

ایران، نباید در دور مصیبت‌خیز «تراکم فقر» فرو افتد

جنگ باگماشتگان امپریالیسم در مرزهای غربی کشور، دارای چنان اهمیتی است که باید همه نیروهای کشور برای پیروزی قطعی در آن بسیج گردد.

هرآرزو که برای آینده میهن خود داریم، به پیروزی ما در این نبرد بستگی پیدا میکند، باید پیروز شویم و پیرور هم خواهیم شد. ولی رسیدن به پیروزی درجنگهای جدید، و سپس بهره‌گیری از آن علاوه برقدرت نظامی به تدارکهای فراوان سیاسی و اقتصادی نیاز دارد.

هنگامه درگیری‌های جنگی، نباید ما را از التفات به نیازهای اقتصادی کشور بازدارد، زیرا سامان دادن به آن یکی از اساسی‌ترین وثیقه‌های پیروزی است.

نباید پنداشت که درگیری حاضر، واپسین درگیری است و برانگیزندگان عراق، پس از درهم شکسته شدن این تجاوز، آرام نخواهند گرفت و بی‌گفتگو دشواریهای تازه‌ای در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند داد.

نباید پنداشت که بافروکوفتن دولت نژادگرای بعث داستان تجاوز به پایان می‌رسد تا امپریالیستها برجا هستند داستان تجاوز دست نشاندگان آنها تکرار خواهد شد. و از اینرو نباید اجازه داد که در این نبرد همه قدرت کشور تحلیل رود.

باید درهمان لحظه که باعراق، و هرگماشته دیگر امپریالیسم درجنگیم، برتوانائی‌های خود بیفزائیم.

تحلیل رفتن قدرت اقتصادی، ما را درصحنه‌های درگیری ناتوان خواهد داشت و باید دانست پیروزی ما، بستگی کامل به حیات اقتصادی کشور دارد.

غفلت از به کار انداختن چرخهای اقتصاد کشور، بی‌هیچ تردید و بی‌هیچ گفتگو به معنای آسیب‌پذیر ساختن کشور است.

درهمان حال که ما درگیر نبرد بادشمن هستیم، و در جبهه‌های جنگ قهرمانانه فداکاری می‌کنیم، می‌باید در جبهه اقتصادی هم بطور خستگی ناپذیر بکوشیم.

کار جنگ را کسانی سامان می‌دهند و به پیروزی می‌رسانند ولی گردانندگان اقتصاد کشور هم می‌باید وظیفه خود را، در سامان بخشیدن به آن انجام دهند.

سازمانهای اقتصادی ماهم وظیفه‌هائی برعهده دارند، که می‌باید به اجرای آنها برخیزند و جریان جنگ نباید از توجه به این سازمانها بکاهد.

پیشرفت اقتصادی در جنگ وصلح هر دو میسر است و نباید تصور کرد که جنگ با چنین پیشرفتی ناسازگار است، برعکس جنگ بسیاری زمینه‌های تلاش می‌آفریند، که بطور مستقیم در رونق بخشیدن به اقتصاد اثر دارند.

راست است که جنگ ویرانی‌ها آفریده است وراست است که برخی پایه‌های اقتصاد را آسیب رسانیده است وراست است که بسیاری توانایی‌های کشور را به خود اختصاص داده است ولی با اینهمه باز هم امکان‌های فراوان در ایران وجود دارد که می‌توان با بهره‌گیری از آنها به اقتصاد خود سامان ورونق بخشید.

وضع اقتصادی، در حال حاضر، به هیچ روی دلخواه نیست، ایران میتوانست شرایط اقتصادی بسیار مناسب‌تر از این داشته باشد.

ایران انقلابی نتوانسته بود ریخت اقتصاد خود را تعیین کند، آنچه در نظام گذشته وجود داشت نفی کردید ولی به جای آن یک نظم اقتصادی جدید قرار داده نشد.

به واقع اقتصاد کشور از ریخت افتاده بود ولی در دوران سازندگی انقلاب هم در زمینه‌های اقتصادی یک برنامه سامان یافته عرضه نشد و در عوض گفتارها ونوشتارهای طولانی، درباره فلسفه واندیشه‌های اقتصادی پدیدار شد

بقیه در صفحه هفتم

آسیب‌رسانی به همبستگی ملی

روحیه انحصارگری و بی‌اعتنائی به قانون راکنار بگذارید

فراموش نکنید که ایران در جنگ با دشمن است

در وزارت ارشاد ملی تنور تشنج برافروخته‌اند. و کارکنان آن را بی‌التفات به سابقه کارو توانائی‌ها و چگونگی گذران زندگی به زیر ضربه گرفته‌اند و براین جمله نام عمل انقلابی گذارده‌اند.

حزب ملت ایران بارها گفته است عمل انقلابی ساختن و به وجود آوردن میباشد نه ویران کردن. در دوران سازندگی انقلاب، عملکردی است غلط که از آن نتیجه‌ای جزپریشانی مردم و تفرقه ملی پدید نمی‌آید.

ایران در شرایط حاضرودرهر شرایط دیگری هم به استقلالیستگی ملی نیاز دارد و نمی‌تواند، از سرنوشت مشترک به دور باشد.

باید گروههای اجتماعی گوناگون درعمل احساس کنند، که زندگی و سرنوشت آنها مورد احترام حکومت است.

هیچ حکومتی، درهیچ شرایطی، حق ندارد که برزندگی مردم خود تاخت آورد، حکومت نباید به ستیزه باملت برخیزد. درهم شکستن بی‌محابای زندگی صدها خانواده آنهم بخاطر انحصارگری ستیزه با ملت است وبی‌آمد آن پراکندگی فزاینده و با این شیوه‌ها «همبستگی ملی» پایدار نمی‌ماند.

هرحکومت، در برابر مردم خود تعهدهائی دارد، و حکومتی که داعیه پیروی از آموزشهای والای اسلامی سرداده است تعهدهائی بیشتر از سایر حکومت‌ها دارد.

یکی از اصلی‌تری تعهدهای هرحکومت فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال نیروی کار و شکفتگی استعدادهای کشور است. یکی از دلیل‌هائی که نظام سرمایه‌داری را سرزنش کرده‌اند همین بی‌اعتنائی آن ارزشهای انسانی و ناتوانی آنها از شکوفاندن استعدادها است و اینک در ایران به بدترین شکل ممکن به همان راه گام می‌نهند.

نیروی کاری که دراختیار است میتواند و باید سازنده و ثمر آفرین باشد و فراهم آوردن زمینه و شرایط این سازندگی و ثمرآفرینی وظیفه و مسئولیت دولت است.

بقیه در صفحه هفتم

ضرورت گسترش کشاورزی در زمان جنگ

وظیفهٔ سنگین کسانیکه در پشت جبهه پیکار می‌کنند.

با انفجار هزاران گلوله تانک و توپ و سایر سلاح‌ها و بمباران‌های مرکزهای اقتصادی و نظامی در غرب و جنوب کشور در عمل جنگی ناخواسته بمردم ایران تحمیل شده است، جنگی که دیده شد، پس از شروع یورش غافلگیرانه گماشتگان امپریالیستها به مرزهای میهن ما، همه گروههای اجتماعی و به پیشاپیش آنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، مشت محکمی به پوزه این مزدوران زدند و بی‌شک تا پیروزی نهائی و آزاد سازی مردم برادر عراق که پیوند تاریخی آنان با ایرانزمین ناگسستنی است، ایرانیان بپاخاسته از کوشش و پیکار باز نخواهند ایستاد و به این تجاوزگران درس عبرت خواهند داد. ولی پیروزی در میدان جنگ بستگی به عاملهای گوناگون دارد و نمیتوان از این حقیقت دور بود که همیشه در زمان جنگ سربازانی درمیدان رزم حماسه آفرینی میکنند و سربازانی نیز درپشت جبهه بوظیفه خود عمل مینمایند و به تهیه و تولید مواد لازم میپردازند که ملت بتواند در قالب نظام جنگی بزندگی پویای خود تا پیروزی نهائی ادامه دهد.

از جمله سربازان پشت جبهه و شاید با اهمیت‌ترین آنان قشر بزرگی هستند که در بخش کشاورزی به تولید میپردازند این گروه از کشاورز ساده گرفته تا عالیترین مهندسان که دراین بخش فعالیت می‌کنند نقشی حساس در زمان جنگ را بعهده دارند.

کار بدستان بخش کشاورزی درزمان جنگ وظیفه دار برنامه‌ریزی‌های خاص این دوره میباشند و باید بکوشند که باتوجه به نیاز عمومی پیش‌بینی‌های لازم را کرده با استفاده از همه امکانها، و طرح‌های پیش‌بینی بمرحله اجراء درآورند.

جنگ همیشه بادرهم کوبیدن و خرابیهای گوناگون همراه میباشد و پس از پیروزی نمیتوان تمام واحدهای اقتصادی بخصوص در بخش صنعتی را که در زمان جنگ بدست مزدوران بیگانه به نابودی کشیده شده است به یک باره بازسازی و کوشا نمود.

از اینرو پس از خاتمه هرجنگی، بخش ویران شده صنعت با حرکتی ضعیف‌تر بازسازی میگردد و این موضوع درتمام کشورهای جنگ زده بوضوح تجربه شده است و حتی پس از جنگ جهانگیر دوم احیای

بقیه در صفحه هفتم

کارزار

* * *

در سیاه بی‌کران شب
روشنان مشعل و فانوس
راه می‌جویند تاپیکار
از فراز کوه
از نشیب تپه و ماهور
از نهفت دره‌ها، از غارها، از کومه‌ها
از کنار بیشه‌ها
از خط ساحل
از همه سو، راه می‌جویند سوی آتش روشن
آزمونی سخت درکار است
ر وز مرگ سرخ و پیکار است
رهروان را نیک بنگر، می‌شناسیشان
زخمی از شلاق
چهره‌هاشان داغدار مرگ
زخمی نامردمی‌ها، تلخ‌کامیها
خنجری از پشت
راهیان راه را پیوسته در تهدید
لیک اینک کارکارستان شده آغاز
حرف «ایران» است
باید از دلمردگی بگذشت
راه باید جست سوی آتش و میدان
کارزاری سخت در پیش است
تن به تن باید همه «آرش»
سربه سر باید همه «نادر»
تیر در ترکش نهیم و جان فداسازیم
تاکه «ایران» را رها سازیم

۱۲ مهرماه ۱۳۵۹ «پروانه» * * *

سرنگون باد حکومت نژادگرای بعث عراق

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم شماره ۲۷

ارتش آرمانخواه، پایندان استقلال ملی است

توطئه دشمنان ملت را باید درهم شکست

هشدارهای حزب ملت ایران پیرامون نیرومندسازی ارتش

ملت ایران یک تجربه سرشار تاریخی را از سر گذراند، تجربه جنگی دامنه‌دار با گماشتگان امپریالیسم. این تجربه رهنمودهای گرانبهائی در شیوه اداره کشور پیش چشمها گشود. بسیاری سخنها که پیشتر گفته آمده بودوبه آنها عنایت نمیشد، در این تجربه چنان با قاطعیت درستی خود را نشان دادند که دیگر هیچکس نمیتواند درباره آنها کمترین تردیدی روا دارد. هجوم گماشتگان امپریالیسم خواه و ناخواه، ایران را در یکی از گسترده‌ترین جنگهای دوران جدید درگیر کرد.

میهن ما تاکنون جنگهای جدید با بیگانه را تجربه نکرده بود و هجوم نیروهای اشغالگر در جنگ جهانگیر دوم به ایران چنان از داخل و خارج سازمان داده شده بود که مجال درگیری را پدید نیاورد، آن هجوم به یک راهپیمائی نظامی بیشتر شباهت داشت تا به نبرد بین دو ارتش.

هجوم حکومت نژادگرای بعث عراق به ایران نخستین درگیری ایران در جنگهای جدید است.

این نخستین بار است که نیروهای دریائی و هوائی و زمینی ایران در هماهنگی با یکدیگر به پیکار دشمن ایستاده‌اند و این نخستین بار است که ملت ایران گذران جنگی را تجربه میکند. تجربه سرشاری که بر میهن ما میگذرد، ابهام‌های فراوانی را از میان برمی‌دارد و حقیقت‌های بسیاری را آشکار میسازد.

این تجربه سرشار تاریخی، نقش حیاتی ارتش را در دفاع از میهن و استقلال ملی روشن کرده و لزوم پیوند پایدار و استوار میان ارتش و توده‌های میلیونی مردم را بر همه ذهنها و چشمها نشانیده است.

ارتش ایران در نظام سلطنتی وابسته به بیگانه، گاه و بیگاه، و به طور قطعی ناخواسته، به میدان مبارزه‌های سیاسی داخلی کشیده میشدو پاسداری از دستگاه حکومت در شمار وظیفه‌های حتمی آن تلقی میگردید. و از این رهگذر از رویارویی با مردم ناگزیر می‌آمد. این رویاروئی ناخواسته، هرگز بیان کننده آرمان واقعی ارتشیان نبود ولی برخی ناآگاهانه و برخی با غرضهای خاص، این رویاروئی‌های کم‌دامنه و پراکنده، را که از ساخت سیاسی حکومت سرچشمه میگرفت، بعنوان نشان دهنده روحیه ارتش به حساب می‌آوردند و از آن برای ضعیف ساختن این نهاد دفاع ملی بهره‌برداری میکردند و حتی پیشنهاد انحلال آن را می‌دادند.

در برابر این شیوه نادرست تلقی از ارتش، حزب ملت ایران همواره می‌کوشید که جوهر مردمی ارتش را آشکار کند و برداشتهای غرض‌آلود و ناآگاهانه را از سوی اخلالگران کمونیست و انحصارگران انقلابی‌نما از میان دارد.

حزب ملت ایران با شناخت دقیق ودرست از ماهیت ارتش وبا آشنائی کامل به وظیفه سنگین آن، پیوسته تلاش داشت که از ضعیف شدن ارتش و دلسرد شدن ارتشیان جلوگیری کند ودر هر فرصت یادآوری می‌کرد که باید نگذاشت نظم در ارتش از هم گسیخته شود.

حزب ملت ایران مسئولیتهای ارتش را می‌شناخت وضرورت حیاتی ارتش نیرومند را برای هر کشور، پیوسته به کار بدستان گوشزد می‌نمود ولی این گوشزدها کمتر مؤثر می‌افتاد وسیل تبلیغات غرض‌آلود مجال آن را باقی نمی‌گذاشت که ریشه‌ها وآرمانهای مردمی ارتش آشکار گردد و سهم بزرگ آن در استقرار آزادی ملی به چشمها کشیده شود.

ارتش ایران، ریشه‌های مردمی استوار دارد. همه ارتش از سرباز ودرجه دار وافسر، از درون گروههای اجتماعی پاکیزه وارجمند ایرانی برخاسته‌اند.

خاستگاه اصلی نیروهای ارتش ایران، روستایان، کارگران، پیشه‌وران وکارمندان است. ارتش یا ملت ایران در پیوندی استوار بوده واین پیوند را در شرایط گوناگون پاس داشته وارج نهاده است ودر جریان انقلاب هم ارتش با سرعت جهت درست حرکت خود را دریافت وبه ملت پیوست.

کسانی که استواری انقلاب واستقرار نظام جمهوری اسلامی ایران را با خواستهای فرقه‌ای خود ناسازگار می‌یافتند، برای درهم شکستن ارتش تلاش میکردند.

حزب ملت ایران در گرماگرم هنگامه‌هائی که علیه ارتش برانگیخته بودند، پیوسته هشدار می‌داد واین هشدارها وبیان واقعیت پیرامون ضرورت نگهداری ونیرومند سازی ارتش تلخی‌ها ودشمنی‌های بسیاری را برانگیخت اما هیچ تلخی و دشمنی موجب آن نگشت که وابستگان آرمانخواه حزب از بوئیدن راه درست برخورد با ارتش باز ایستند.

حادثه‌هائی که یکی پس از دیگری در کشور رخ داد به خوبی درستی برداشتهای حزب ملت ایران را از ارتش ثابت کرد وهجوم نظامی عاملهای امپریالیسم به ایران هر شبهه را دراین باره از میان برداشت.

حضور ووجود چند عنصر خود فروخته ویا دسیسه چینی‌های بیگانگان، نباید نظر را نسبت به ارتش دگرگون دارد. مگر در سایر زمینه‌های حیاتی ما، در سازمانهای اداری، در نهادهای قضائی، در پارلمان ودر مطبوعات وحزبها عنصرهای نامطلوب وجود نداشتند ومگر دسیسه چینی‌های بیگانگان در زمینه‌های قاتصادی وفرهنگی ما به حد اعلا جریان نداشت.

اگر راست است که همه زمینه‌های گوناگون زندگی سیاسی واجتماعی وا قتصادی وفرهنگی کشور آلوده به تباهی‌های گماشتگان نظام حاکم بود، پس چرا می‌باید لبه تیز حملهها به سوی ارتش باشد، درحالیکه اگر به طور نسبی داوری شود، آلودگی وتباهی درارتش کمتر از سایر زمینه‌های زندگی ما رخنه کرده بود.

گروه بزرگی ارتشیان ایران درهمه حال پاکدلی و روح مردمی و میهن دوستی خود را از دستبرد فرماندهان وابسته، بدور داشته بودند و این حقیقت را حزب ملت ایران از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب همواره بازگو کرده است.

همرزم داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران فردای پیروزی انقلاب در روز سه‌شنبه بیست و چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷ با سپهبد شهید محمد ولی قرنی به ستاد ارتش رفت و در آنجا پس از روشنگری‌های ضروری چنین گفت «اکنون در پرتو انقلاب اسلامی ایران این فرصت پدید آمده که بنیاد یک ارتش نوین ملی را بنهیم.

ارتشی که بتواند از ملت حمایت کند و در مقابل دشمنان وطن ایستادگی کند.»....

«انتظار مردم از تیمسار قرنی و افسران و سربازان شریف و دلیر ارتش که سالهای سختی را از سرگذرانیده‌اند و سختیهای زیادی کشیده‌اند اینست که ارتشی بسازند که افراد آن از مافوقهای خود فقط اطاعت کورکورانه نکنند. ملت ایران چشم به ارتش ملی خود دوخته‌اند تا آینده وطنشان را حفظ کنند و اجازه ندهند دشمنان به این مرز و بوم چشم طمع داشته باشند.»

در «خبرنامه» که در روزهای پیش از پیروزی به گونه‌ی پنهانی پلی‌کپی و انتشار می‌یافت و تاروزهائی چند پس از پیروزی انقلاب هم باز به همان سیاق پلی‌کپی در دسترس همگان قرار می‌گرفت بارها از ارج و ارزش ارتش برای استواری حیات ملی یاد شد.

در شماره ۹۳ خبرنامه به تاریخ پنجشنبه بیست و ششم بهمن ماه ۱۳۵۷ به روشنترین بیان نسبت به ارتش چنین نظر داده شده «واقعیت اینست که مسئله ارتش را باحساب تعدادی ژنرال قسم خورده که به خون ملت کمر بسته‌اند و تاکاکل درخون جامعه غرق هستند و از نعمتهای زمان فساد و استبداد بارور میباشند باید جدا دانست.

ارتش از گوشت و پوست و مغز ما جدا شده و کلیت و جامعیت آن را به عنوان یک واحد جانباز و آماده فداکاری و قبول خطر برای حفظ ملیت و استقلال خود قبول داریم و در آغوش خویش میفشاریم.»

در اعلامیه‌ای که به تاریخ سه‌شنبه بیست و هشتم فروردین ماه ۱۳۵۸ از جانب حزب ملت ایران به مناسبت روز ارتش صادر شد گوشزد گردید که «حضور یک ارتش نیرومند مردمی» و دلبسته به این آب و خاک میتوانسته یکی از عوامل جلوگیری از انهدام سرزمین باشد و می‌دانی که این سرزمین زرخیز یا منابع و معادن بسیارش، همچون حلقه‌ی زرین جواهرنشانی، همواره چشم راهزنان بین‌المللی و استعمارگران را به خود دوخته است و حضور یک ارتش نیرومند مردمی میتواند بهترین تضمین برای حفاظت این میراث طبیعی ملت ما باشد و می‌دانی آنچه برملت ایران دریکصد و هشتاد سال گذشته تحمیل شده و دربسیاری از موارد به دلیل ناتوانی و زیرسلطه نگهداشته شدن ارتش بوده است.

پس اینک ضرورتی است ملی که به ارتش خود همچون یکی از اندامهای زندگی ساز در پیکر ایران بنگریم و به هرسرباز ایرانی همچون رزمنده‌ای آماده جانبازی در راه پاسداری مرزهای میهن و حفظ وحدت ملی، نگاه کنیم و آنسان که شایسته‌ی ارتشیان وفادار به ملت است، ایشان را گرامی بداریم».

در شماره پنجشنبه ۲۷اردیبهشتماه ۱۳۵۸ روزنامه‌ای که به جای خبرنامه انتشار یافت زیر عنوان «بازسازی ارتش برای حفظ انقلاب نیاز کشور است».

چنین آمده «ارتش پاسدار حاکمیت ملی است و دوام زندگی اجتماعی در گرو وجود آن است..... انهدام ارتش و یغمای سلاحهای گرم و سرد و سنگین و سبک آن اگر دیروز بر ما روشن نبود که چقدر آسیب رساننده و تلخ است، امروز به خوبی روشن شده است که عدم حضور یک ارتش قدرتمند می‌تواند تمامی لحظات زندگی ملی ما را به مخاطره افکند و بررسی وضع کنونی ایران ضرورت بازسازی سریع ارتش را یادآور می‌شود.»

«هر روز می‌بینیم که ضدانقلاب چگونه با هشیاری در کمین نشسته و فرصتها را برای خرابکاری از دست نمیدهد. می‌بینیم که استعمار هنوز همه امیدش را در برخورداری از منابع میهن ما از دست نداده است و عوامل سیاه آن سخت در تلاش‌اند. وجود این همه دلایل است که لزوم بازسازی ارتش را هرچه زودتر و بی از دست دادن لحظه‌ای فرصت‌نایان می‌کند.»

بی‌شک اگر این پیشنهاد پذیرفته شده بودوبه هنگام خود اجرا میگردید امروز ایران از بسیاری زیانها و نگرانیها در امان میماند.

همرزم داریوش فروهر در سفری که بمناسبت فرارسیدن روز شکوهمند خلع ید از استعمار به خوزستان کرد در بامداد روز سی‌ام خردادماه ۱۳۵۸ در پادگان لشگر زرهی اهواز حضور یافت و ضمن شرکت در سان و رژه یگانهای این لشکر در برابر سربازان، درجه‌داران و افسرانیکه با کوشش شبانه‌روزی آمادگی لازم را پدید آورده بودند سخنان شورانگیزی در لزوم برقراری نظم آگاهانه در ارتش و نیرومندسازی هرچه بیشتر آن ایراد کرد.

همرزم داریوش فروهر بار دیگر در جمع افسران ستاد فرماندهی نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفتاری داشت که در شماره پنجشنبه بیست‌وهشتم تیرماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ به چاپ رسیده است، وی دراین گفتار به روشنی ضرورت بازسازی و نیرومندی ارتش را توضیح میدهد و میگوید:

«ملت ما آسیبهای بسیار دید یکی از این آسیبها زائیده آموزش‌های غلطی بود که سالیان دراز داده بودند تا مردم را از ارتش جدا کنند و ارتش را نهادی رودرروی مردم بسازند.

ارتش‌ها در همه جای دنیا نگهبان مرزها، نگهبان استقلال و تمامیت ملتها بوده‌اند ولی درایران کوشیدند آنرا بصورت واحدی برای سرکوبی، برای کوبیدن مغزها درآورند و نظام گذشته از این رهگذر بزرگترین آسیب را به میهن زد، آسیبی که سالیان دراز ما باید تاوان آنرا به‌پردازیم.

امروز اگر در گوشه‌وکنار این سرزمین توطئه‌ها می‌تواند شکل بگیرد. اگر نگرانی هست که دست‌آوردهای انقلاب دستخوش هوسهای امپریالیستها و ارتجاع داخلی گردد برای این است که نیروی دفاع‌کننده از مرزهایمان آسیب دیده است وهمانگونه که درهرانقلاب، دوران پس ازانقلاب یعنی دوران سازندگی برای هرگروه اجتماعی وظیفه‌ای خاص پدید می‌آورد دردوران انقلاب اسلامی ملت ایران هم برای نیروهای سه گانه ارتش وظیفه‌ای خاص وجود دارد.»

سپس به سخنان خود می‌افزاید «کسانیکه گمان میکنند این نیروی دریائی باید کوچک شود کسانیکه گمان میکنند این یک گارد ساحلی است سخت دراشتباه‌اند. ما اگر بخواهیم شریان‌های حیاتی‌مان آزادانه به کارخودادامه دهند باید درخلیج فارس نیرومند باقی بمانیم....»

ودرجای دیگر ازگفتار خود میگوید «دراینجا باید همه نیروهای مابسیج شود که آن نیاز لازم رامورد توجه قرار دهیم، من به عنوان یک سرباز قدیمی نهضت ملی ایران که در انقلاب شرکت کرده است ازشما افسران، درجه داران وسربازان نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران خواهش میکنم به آینده ایران بیاندیشید، همه بذر افشانهای نفاق را به دور بریزید وباهمبستگی کامل دربازسازی نیروهای خودبادلگرمی هرچه بیشتر به کارپردازید، نظم لازم رابه نیروهای خود بازگردانید. زیرا آینده ایران درنیرومندی ارتشی است که باجدول ارزشهای جدید درفرهنگ ملی مایه گرفته ازاسلام بازسازی شود.»

درستی این اندیشه نیز دیگر قابل کتمان نیست وهیچکس نمیتواند لزوم نیرومندی ارتش ایران رادردفاع خلیج فارس انکارکند.

درشماره پنجشنبه هجدهم مردادماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ درنوشتاری زیرعنوان «افراد ارتش ضدمردمی نیستند» چنین آمده است «ارتش ونحوه سازماندهی وعملکرد آن اینروزها بحث داغ محافل ومجالس گروههای سیاسی است.

از فردای روز بیست ودوم بهمن ارتش که درگذشته ازبحث بکنار بود یکباره ازطرف همه گروهها مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت در روزهای اول تقریباً صحبت ازانحلال ارتش «ضدخلقی» کردند.

وچون درعمل غیرممکن یافتند برخی جناحها ازدردیگر وارد شدند وزمزمه لزوم شرکت نظامیان دراحزاب وتشکیل شوراها را در ارتش سردادند. بطوریکه هم اکنون کمتر نشریه ایست که درهرشماره حداقل یک مقاله راجع به این موضوع چاپ نکند. بیائیم مسئله را جدا از هدفهای سیاسی گروهها بررسی کنیم. اصولاً ذکر «ارتش ضد خلقی» مطلبی است ناروا که تنها ازعدم شناخت ارتش وماهیت وترکیب آن وعفوهای ناشی از حق کشی‌های رژیم گذشته سرچشمه میگیرد. بایک بررسی کوتاه درمورد کسانیکه درسی سال اخیر به ارتش پیوسته‌اند خواهیم دید که نودوهشت درصد ازافراد ارتش اعم ازافسرودرجه دار وسرباز ازپائین‌ترین قشرهای اجتماعی بوده‌اند. افراد ارتش ازنظرپایگاه طبقاتی واقعاً ازتوده مردم برخاسته‌اند وازاین نظر نمی‌توانند ضد خلقی باشند.»

دراین نوشتارسپس آمده است «ارتش درهرحال وسیله‌ای است دردست هیات حاکمه واین هیات حاکمه است که میتواند خلقی یاضدخلقی باشد نه افراد ارتش بدیهی است که فرماند کل قواکسانی رابعنوان فرماندهی واحدهای بزرگ میگمارد که هماهنگی لازم را با وی داشته باشند ودر صورت انجام اعمال ضد خلقی تنها این دسته معدود از افراد ارتش را میتوان ضدخلقی دانست.»

در شماره سه‌شنبه دهم مهرماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ زیر عنوان «به ندای ارتش جمهوری اسلامی پاسخ دهید.» چنین آمده است «ما اعتقاد راسخ داریم که در یک نظام ملی ارتش پاسدار مرزها است وحافظ حاکمیت ملی وتمامیت ارضی وبایستی قوی ودارای هویت باشد واین باور است که مارا برآن میدارد تا صمیمانه از جوانان پرشور انقلابی بخواهیم که دست یاری طلبی ارتش را بفشارند وبرای استقرار نظم نوین خود را به پادگانها و واحدهای نظ معرفی کنند. »اجرای دقی خواسته میتوانست ارتش را از آنچه هست بسیار نیرومندتر بسازد ونگذارد وسوسه تجاوز به ایران در ذهن تاریک دست نشاندگان امپریالیسم پدیدار شود.

اگر ایران قدرت کافی داشت وآنرا به نمایش هم میگذاشت امروز موسسه‌های اقتصادی گرانبهای جنوب طعمه بمب وخمپاره نشده بود.

درنامه اتحاد بزرگ شماره سه‌شنبه بیست‌وچهارم مهرماه ۱۳۵۸ دونوشتار اساسی درباره ارتش درج شده است یکی زیر عنوان «در ارتش تسویه است یا تصفیه» لزوم رعایت نظم وسلسله مراتب وتقسیم وظایف را در ارتش یادآوری کرده ومینویسد «کسانیکه برخلاف فرمان رهبری انقلاب در مورد ارتش اقدام میکنند وبه اعلام برنامه‌های روبنائی وظاهر فریب که کاربرد آنها هم به تجربه نرسیده است میپردازند هدفی بجز سمپاشی واز بین بردن انضباط که ستون اصلی موجودیت ارتش است ندارند».

دردنباله این نوشتار پس از

بقیه در صفحه سوم

ارگان حزب ملت ایران

ارتش آرمانخواه، پایندان استقلال ملی است

یادآوری‌هائی در مورد تصفیه در ارتش که منجر به ضعیف‌تر شدن ارتش میشود چنین نتیجه میگیرد «نحوه تصفیه در ارتش افراد را به سالوسی وزهدنمائی تشویق، شخصیت‌ها را نابود، مبارزین راستین انقلاب را نومید وروال گذشته را تقویت میکند وانسان را وادار به اندیشه میکند که این جریان تسویه است یا تصفیه».

در نوشتار دیگری در همین شماره زیر عنوان «کاهش قدرت نیروی هوائی برخلاف مصالح ملی است» با صراحت اعلام شده «حفظ هواپیماهای اف- ۱۴ برای پاسداری از مرزهای هوائی ایران زمین ضروری است».

در این نوشتار چگونگی نیروی هوائی ودامنه عملکرد آن بررسی وگوناگون هواپیماهائی که در خدمت ارتشهای همسایه ایران هستند مطرح گردیده ودر پایان با عنوان کردن ویژگیهای «هواپیمای اف-۱۴» چنین نتیجه گرفته شده است «باتوجه به محاسن وسعایب هواپیمای مذکور لزوم نگهداری این هواپیما در شرایط کنونی سیاسی نظامی ایران کاملا محرز وغیر قابل تردید میباشد» با کمی دقت در این نوشتار وبه کار بستن رهنمودهای آن پدافند هوائی ایران چنان بی‌سامان نمیماند که پالایشگاهها وکارخانه‌های ما طعمه هواپیماهای وامانده ارتش عراق بشود.

در شماره سه‌شنبه هشتم آبانماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ در نوشتاری زیر عنوان «پاکسازی در ارتش با این شیوه صلاح نیست. «پس از بیان مقدمه‌ای در بالا موقعیت حیاتی ارتش اعلام شده است که «ارتش یعنی پیروزی» سپس ادامه میدهد «اما پیروزی برچه کسی وبرای چی؟ پیروزی بر دشمنان احتمالی وبه خاطر حفظ استقلال، حاکمیت واراده ملت» این نوشتار سپس بچگونگی پاکسازی در ارتش پرداخته وزیانهائی را که از این رهگذر بر ارتش وارد میشود شرح داده و از میان بردن نیروی انسانی کارآمد ودارای تخصص ارتش را به صلاح کشور ندانسته وخواسته است هرچه سریعتر شیوه نادرست پاکسازی رها شده و قدرت ارتش به بازیچه گرفته نشود.

در دنباله همین سیاست در شماره سه‌شنبه بیست ودوم آبانماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ در نوشتار دیگری زیر عنوان «در ارتش پاکسازی است یاانحلال» چنین آمده است «ارتش ایران، یک ارتش ملی وبدون وابستگی‌های طبقاتی و قشری متشکل از بهترین جوانان وفداکارترین مردان این مرز وبوم در واقع بزرگترین سرمایه‌گذاری در سطح کشور میباشد.

سرمایه‌ای از صدها هزار ایرانی با سالهای متمادی آموزش نظامی ومیلیاردها دلار تجهیزات.

این نوشتار سپس به لزوم آماده ساختن وبهره گرفتن از این سرمایه‌گذاری‌ها میپردازد وپس از آن به دسیسه‌های دشمنان برای ضربه زدن بکشور اشاره میکند و می‌نویسد «دراینموقع بیگانه نقشه جدیدی طرح نمود وبه کمک ایادی خود، شعار انحلال ارتش را مطرح کرد، که این طرح جدید هم به کمک وطن پرستان وملیون ایران با شکست روبرو شد.» و پس از بر شمردن زمینه‌های دیگری که برای درهم شکستن ارتش تدارک شده چنین مینویسد «حال دشمن با طرح جدیدی به میدان آمده، بدنام نمودن پرسنل ارتش، دور کردن پرسنل متخصص از ارتش، خارج نمودن افسران ملی از صحنه ارتش بوسیله عوامل شناخته وباساحه خود.» این نوشتار به راههای جلوگیری از توطئه دشمنان برای درهم کوبیدن ارتش میپردازد و مینویسد «هدایت ارتش لزوماً میبایست به وسیله نظامیان با تجربه، درست، مؤمن وشریف این ارتش انجام گیرد وکاربرد نیروهای ویژه، هوانیروز، هوائی و زرهی فقط در توانائی پرسنل کار کشته وآگاه نظامی است.

دریک طرح تاکتیکی مسلماً چریکهای دست سوم وچهارم آموزش دیده دریک کشوردستسوم و چهارم قادر به ارائه طریق نخواهند بود.»

در این نوشتار سپس آمده است که ما امروز شاهد کنارگذاردن افسران فداکار، باسواد، باتجربه، ملی و با ایمانی از ارتش هستیم و حتی اگر وانمود گردد که خود این اشخاص به تقاضای شخصی خواسته‌اند از خدمت معاف گردند میبایستی با استفاده از تجربه فرماندهان و قوانین موجود از این امر جلوگیری گردد.

... کنار گذاردن تعدادی از بهترین افسران متخصص از نیروی هوائی یا ستاد ارتش و کارمندان غیرنظامی بدون درنظر گرفتن معیارهای واقعی و اعلام شده سرآغازی است برای طرح انحلال نه پاکسازی» این نوشتار در پایان باوضوح نتیجه‌گیری میکند که «باتوجه به سیاستهای استعماری قدرتهای بزرگ و تحریکاتی که از جانب آنان بعمل میاید و مطامع برخی از همسایگان، انحلال ارتش خیانتی است کاملاً روشن و مسلم و مجریان این طرح باید بدانند که پی‌آمد انحلال ارتش تجزیه ایران است. فردا نگویند که ما نمیدانستیم و مجری بودیم. کسانیکه در پس پرده درصدد انحلال ارتش هستند برنامه را تا انتها در دست دارند و برای تجزیه ایران توطئه میکنند.» از این روشنتر و صریحتر نمیتوان نسبت به این مسئله با اهمیت، هشدار داد ولی دریغ که این هشدار هم مانند سایر هشدارها موردعنایت قرار نگرفت.

در شماره سه‌شنبه بیست و نهم آبانماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ ساختمان روحی ارتش و امنیت ملی مورد رسیدگی قرار میگیرد و در نوشتاری زیرعنوان «در ارتش اطاعت کورکورانه غلط و اعتراض کورکورانه خیانت است.» چنین مینویسد «کاربرد صحیح ارتش بزرگترین هنر سیاستمداران خواهد بود و تنها عاملی که میتواند ارتش را به نحو صحیح و عادلانه‌ای به کارگیرد آگاهی فرماندهان نظامی به روحیه افراد و حفظ انضباط در ارتش است.» این نوشتار زمینه‌های استور داشتن ارتش را به دست میدهد که البته به آنهم توجهی نشده است.

درشماره سه‌شنبه بیست و هفتم آذرماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ در نوشتاری زیرعنوان «در ارتش چه میگذرد» چنین آمده است «نوشتیم که در ارتش کار تصفیه به تسویه بدل شده و گسترش این روش غیراصولی هر ایرانی معتقد به انقلاب را دچار تردید و دلهره میکند.» و سپس به رفتاری که با ارتش میشود اعتراض نموده و مینویسد» از هر فرصتی برای سرکوب این بزرگترین پشتوانه‌ی حاکمیت ملی بهره میگیرند.؟ این نیست مگر کار را به دست نادان سپردن و مسئولیت را به کسانی سپردن که قدرت درک حساسیت زمان و مکان را ندارند و اسیر خودبینی و غرض و مرض‌های شخصی میگردند «این نوشتار سپس بررسی خود را چنین ادامه میدهد.» در ارتش امنیت شغلی مهمترین عامل برای ادامه خدمت است و اگر هرروز با اظهار نظرهای بدون پایه به این عامل مهم آسیب برسانند روحیه افراد ارتش را ضعیف و ضعیفتر میکنند.

اندک توجه به مرزهای طولانی و آسیب‌پذیر ایران و قدرت نظامی همسایه‌ها و وجود پایگاههای تحریک علیه ایران به ویژه در شرایطی که میهن در معرض خطرهای جدی است و نبرد علیه امپریالیسم هر روز بعد گسترده‌تری میابد کوشش در تقویت روحیه و کارآئی ارتش وظیفه‌ای است که بعهده کاربدستان این سازمان بزرگ نهاده شده است. و دریغ که بیشترین آسیب نیز از طریق اظهارنظرهای غیرمنطقی و نسنجیده همان‌ها به ارتش میشود.

ابعاد جنگ در تفنگ ژ-۳ خلاصه نمیشود. این پوشش وسیع و گسترده‌ی امواج رادار داراست که درطول مرزهای ایران خبر حمله هوائی را به پایگاهها میرساند و این جنگنده‌های نیروی هوائی است که باید با آمادگی کامل از نظر فنی و آمادگی روحی و رزمی افراد به پرواز درآیند و به هماوردی با دشمن بپردازند و در مراحل بعدی ناوهای نیروی دریائی و وسائل زرهی و توپخانه‌ی نیروی زمینی است که باید به میدان نبرد بروند وگرنه میلیونها ژ-۳ بدست دریک حمله هم‌آهنگ هوائی و زمینی دشمن به نابودی محکوم‌اند». نوشتار سپس ادامه میدهد «ما در دنیائی زندگی میکنیم که تخصص سرنوشتساز است و بدینگونه آنگه نحوه استفاده از تفنگ ژ-۳ را آموخته نمیتواند به اندازه یک نظامی متخصص کارآیی داشته باشد و جای خلبان، ناوبر، توپچی و متخصصان فنی دستگاههای پیچیده اعلام خطر را بگیرد. باید منطقی و منصف بود. آنها که بر جایگاه تسویه نشسته‌اند شاید ندانند که از چند صد داوطلب تنها یک نفر به مرحله خلبانی میرسد آنهم باصرف هزینه زیاد وچند سال آموزش ودرحقیقت اینها سرمایه‌ی ارتش ومملکت هستند وباید باسهل‌انگاری وغرض‌ورزی وکوته بینی موجبات دلسردی واستعفای آنها رافراهم ساخت.

تلاشی هرگوشه ازارتش خیانت به استقرار وحاکمیت ملی است ودرشرایط بحرانی وحساس میهن آنچه حیاتی است وهرایرانی آنرا احساس میکند حضور صمیمی وقاطع ومومن ارتش برای حفظ دستآوردهای انقلاب است».

بدین سان دیگر نکته تاریکی باقی نمانده که توضیح داده شود ولی آنچه به جایی نرسید این گوشزدها وهشدارها بود.

درشماره سه‌شنبه یازدهم دیماه ۱۳۵۸ نامه اتحاد بزرگ درنوشتاری زیرعنوان «ارتش پاسدار واقعی انقلاب» آمده است که «بیداری وهمکاری ارتش باانقلاب به رغم کوشش جهنمی سالیان دراز استبدادیان برای بیگانه نگاه داشتن ارتشی‌ها باخواستهای مردم بیگمان درپیروزی انقلاب ازموثرترین عوامل به حساب می‌آید وپس ازانقلاب اگر دولتیان آنهمه اسیر خویشتن خواهی نبودند وسرازلاک خودخواهی وانحصارطلبی بیرون می‌کشیدند، ضرورت وجود ارتش قوی ومنظم برای حفظ دستآوردهای انقلاب به خاطرشان میرسید وفرصت نمیدادند هرروز به بهانه‌ای این بخش حیاتی میهن لطمه ببیند.» این نوشتار سپس وضع موجود کشور رابررسی میکند وزیانها وخطرهای ضعیف ساختن ارتش رامی‌نمایاند ودرپایان چنین نتیجه میگیرد «نظم رابه ارتش بازگردانید وسربازان میهن راازناایمنی ودغدغه خاطر برهانید وباروحیه‌ی انقلابی آماده‌ی دفاع ازاین مرز وبوم کنید زیراکه برای ماندن، وجود ارتش منظم ونیرومند حیاتی است.» به راستی که ازاین روشنتر نمیتوان ضرورت ارتش منظم ونیرومند رابیان کرد. «برای ماندن» به چنین ارتشی نیاز داریم ولی افسوس که این هشدار هم جدی گرفته نشده

دربرنامه کارنامزد ریاست جمهوری حزب ملت ایران وهمچنین برنامه کارنامزدهای نمایندگی حزب برای مجلس شورا مسئله ارتش طرح میگردد وبادقت وظرافت کامل به گونه‌ای فشرده درباره آن چنین اظهار نظر میشود «ارتش باباقت ملی باید نو نوسازی شود و با بهره‌گیری از دانش و فن و ابزارنو تجهیز گردد و قدرت یابد و با برخورداری از اعتماد و احترام همگانی نگهبانی نیرومند برای استقلال و تمامیت ارضی کشور باشد.» امروز معنای این کلمه‌ها بسیار روشن درک میگردد که استقلال و تمامیت ارضی کشور نگهبانی نیرومند میخواهد و این نگهبان ارتش است ولی دریغا که به این اندیشه عنایت‌نگشت.

همرزم داریوش فروهر در سخنرانی خود زیر عنوان «رابطه معنوی بین ارتش و مردم» که در شماره سه‌شنبه دوم بهمن ماه ۱۳۵۸ اتحاد بزرگ به چاپ رسیده است به تفصیل درباره ارتش، بافت مردمی آن، آسیبهای گوناگونی که بر آن وارد آورده‌اند و راه بازسازی ارتش سخن میراند و ازجمله میگوید «آنها که به آینده ایران می‌اندیشند به استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌اندیشند خواهان یک ارتش نیرومند ملی هستند.» و «ذات مردمی ارتش فرصت داد موج ایمان از میان مردم به درون آن راه یابد و همه چیز دگرگون شود.» و «پس از انقلاب ارتش را از کارآئی انداختند بی‌آنکه خطر بزرگ توطئه‌های امپریالیستها را احساس کنند. «این سخنرانی همه جنبه‌های گوناگون دشواری‌های ارتش را دربر میگیرد و تا آنجا دقت نظر به خرج میدهد که می‌گوید «در غرب کشور ما برای استفاده از تجهیزات و وسایل زرهی ارتش پرسنل کافی نداریم و این وسایل و تجهیزات در گوشه پادگان‌ها بلااستفاده مانده‌اند.» و در جای دیگر اشاره میکند» از لحاظ جنگ افزار و تجهیزات ما نمی‌توانیم در کنار عراق هواپیمائی داشته باشیم با نیرو و کاربردی کمتر از نیروی هوائی عراق.» اگر این رهنمودها جدی گرفته شده بود بسا رنجها که از میهن ما دور میماند.

در شماره سه‌شنبه سی ام بهمن ماه ۱۳۵۸ روزنامه اتحاد بزرگ باز درباره «نقش ارتش در انقلاب» نوشتاری آمده است که به تفضیل و دقت بسیار آسیبهائی را که بر ارتش رفته و لزوم و شرایط بازسازی آن را برمی‌شمارد واعلام میدارد که «ارتش سازمان و نهادی است در جهت دفاع از مرزها و تمامیت ارضی و حفظ استقلال کشور و نیز شمار بسیاری از سربازان راستین وطن بودند که در لحظات حساس و سرنوشتساز سال گذشته با تمام وجود و با قبول همه نوع مسئولیت به شما پیوستند».

سرانجام در شماره بیست ویکم اسفندماه روزنامه اتحاد بزرگ در نوشتاری زیر عنوان «ارتش و تصفیه» باز هم مسئله ارتش و برکنارنمودن کادرهای ورزیده آن و از نیرومندی افکندن آن و درهم پاشیدن روحیه آن طرح گردیده ومورداعتراض قرار گرفته وطی رهنمودهائی خواسته شده است که روند ضعیف کردن ارتش راپایان دهند.

هیچکدام ازاین یادآوریها و پیشنهادها مورد التفات کاربدستان کشور به ویژه سه تن که پس ازپیروزی انقلاب به وزارت دفاع ملی گمارده شدند واقع نشد اینکه امروز زیانهای هنگفتی ازبابت غفلت ومسامحه کاری ایشان به ایران عزیز تحمیل شد امیداست ازاین پس چنین نباشد وهرکس وظیفه ملی خودراجدا ازبرداشتها و غرض‌ورزی‌های شخصی وبدورازوابستگی‌های احتمالی انجام دهد.

آگهی تغییر محل شرکت کانپورت با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۹۵۸۷

برابر تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۵۹/۵/۲۵ محل شرکت به خیابان بهار شمالی نبش نامجو پلاک ٦ طبقه اول منتقل گردید.

م- الف ۱٦۰٤۹

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی انحلال شرکت پارس بیندینگ با مسئولیت محدود ثبت ۲۹۱۹٤

طبق صورتجلسه مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۹ شرکت نامبرده منحل گردید و آقای محمود تابش‌نیا بسمت مدیرتصفیه تعیین شدند و محل تصفیه و محل مدیر تصفیه تهران خیابان انقلاب روبروی دبیرخانه دانشگاه ساختمان کتابهای جیبی طبقه ٤ میباشد و کلیه دفاتر و دارائی شرکت در تحویل مدیر تصفیه قرار گرفته است. م- الف ۱٦۰۵۹

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجارتی تهران

آگهی تغییرات در مؤسسه عبدالعزیز فرمانفرمائیان و همکاران (مهندسین مشاور) ثبت شده بشماره ۹۰۸

باستناد لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و صنعتی تجارتی و کشاورزی و خدمات اعم از بخش عمومی و خصوصی که در جلسه مورخ ۵۸/۳/۲٤ بتصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسیده و با توجه به حکم شماره ۵/۵۵/۱٤۵۳ مورخ ۵۹/۵/۹ سازمان برنامه و بودجه آقای دکتر جمشید حبیبی بسمت مدیر موقت مؤسسه مذکور انتخاب گردید. م- الف ۱٦۰۵۸

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجارتی

آگهی تأسیس شرکت ساختمانی و راهسازی و تاسیسات تکنوزیم بامسئولیت محدود

در تاریخ ۱۳۵۹/٦/۱٦ تحت شماره ۳۸۵۳۹ این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱- موضوع شرکت: انجام امور ساختمانی و راهسازی و تاسیساتی بشرح زیر الف رشته ابنیه شامل ساختمان ابنیه عمومی مسکن، آپارتمان، ویلا، شهرک، ابنیه درمانی و بهداشتی و آموزشی و فرهنگی ورزشی و آشیانه فرودگاه و انبار- بندر و انبار سیلو- ایستگاه راه‌آهن- محوطه سازیهای شهرک و کارهای مشابه و بقیه بشرح ماده ۳ اساسنامه

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان انقلاب بین خیابان حافظ و کالج روبروی هتل پالما ساختمان ۸۵ طبقه ۳

۳- سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون ریال

٤- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان مهندس محمد جواد نوابی فرد جهرمی بسمت رئیس هیئت مدیره و حبیب اله گومه‌ای بسمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و مهندس محمدحسن مقدس خور بسمت مدیرفنی و عضو هیئت مدیره و یحیی بیژندی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و عضو هیئت مدیره و سیامک صادق‌پور بسمت مدیر داخلی وعضو هیئت مدیره میباشد حق امضاء کلیه اوراق و اسناد مربوط بشرکت از قبیل چک و سفته و برات و قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره بامهر شرکت معتبر میباشد. **مالف ۱٦۰۵۲**

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی حصر وراثت

آقای احمد کمیلی بشناسنامه ۱۹۰۰۸ بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۲٤/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان یدالله کمیلی بشناسنامه ۱۹۰۰٦ در تاریخ ۵۹/۳/۲۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی پسر و بتول کمیلی بشناسنامه ۱۹۰۰۷ و فاطمه کمیلی بشناسنامه ۷۰۵۲٤ دختران و مولود رضائی بشناسنامه ۳٤۲۳ همسر.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

م- الف ۱۳٤۹٤ ۲۱-۳ دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-احدی

ارگان حزب ملت ایران

پروردگارا..پاینده دار این سرزمین پاک نیاکان را

«بنقل از سرآغاز»

شناخت گسترهٔ ایران‌زمین
نقش برجسته عاملهای طبیعی و فرهنگی در سازمان‌یابی مرزها
ایران در یکی از بنیادمندترین حرکتهای تاریخی خود

میهن ما که در بخشی از سرزمین‌های غربی آسیا قرار دارد هم دارای نوعی مرزهای طبیعی میباشد و هم بعلتها و کارائی فرهنگی و لشگربریها، در هرچهار سوی خود، مرزهای فرهنگی و حکومتی ایجاد کرده است و چنین بنظر میرسد که حرکت سیاسی جامعه در تاریخ بسوی یگانه‌سازی سه مرز طبیعی و فزهنگی و حکومتی قرار داشته است.

با اینکه تحقق این امر بطور کامل و با استمرار دچار هجومهای برون مرزی میشود یا سائقه جهان‌گشائی زمامداران داخلی دریک یا چند سوی کشور، مرزهای حکومتی را در سرزمینهای «ملل تابعه» توسعه میداد و یا با ایجاد نظامهای امپراطوری و التقاط مدنیتها، ویژگی زندگی ملی ساکنان کشور در معرض، برخی دگرگونی‌ها قرار میگرفت اما برروی هم بادرنظر گرفتن جغرافیای سیاسی این مرز و بوم در بعد تاریخی و همبستگی اجتماعی ایرانیان و روند تکاملی همه جانبه تولید اقتصادی پیوند یافته باحیات فرهنگی و تمرکز نسبی سیاسی با چندگانگی و چند گونگی حکومتهای پیوند یافته باهم (ملوک‌الطوایف) و همجوشی دریک کلیت فراتر از دودمانها و سلسله‌ها، میتوان از **مرزهای تاریخی ایران** سخن بمیان آورد.

تاریخ‌نگاران و جغرافیدانان ایران، زمانی که از «ایران زمین» گفتگو میکنند، توجهی به حکومتها و نهادهای دولتی و اداری موجود در جامعه خود ندارند و به دقت مرزهای تاریخی کشور بزرگ خود را بیان مینمایند از جمله نگارنده گمنام کتاب **مشهور مجمل‌التواریخ و القصص** در قرن ششم هجری «ایران زمین» را «میان جهان» و «شش اقلیم» دانسته است و حدود آنرا چنین بیان میدارد:

«از میان رود بلخ است از کنار جیحون تا آذربادگان و ارمینه تا بقادسیه و فرات و بحرین و دریای پارس ومکران تا بکابل وطخارستان وطبرستان» (ص۴۷۸۷)

از تاریخ نگاران جدید، در قرن سیزدهم هجری، زین‌العابدین شیروانی نگارنده کتاب بستان السیاحه زمانی که از «ایران» سخن میگوید اضافه میکند.

«چندین طایفه درآن کشور حکومت گذارند و طریق استبداد واستکبار سپارند، «اول دولت قاجاریه....» واز هیجده حکومت گفتگو میدارد ودر آخر اضافه مینماید:

«و امثال ایشان در گوشه وکنار باشند وخاطر مترودین ومسافرین را به تیشه ظلم وجور تراشند» (ص۵۶-۱۵۴).

حد تاریخ ساخته میهن ما وزندگی فرهنگی سیاسی واجتماعی واقتصادی درآن، حق شناخته شده‌ای را برای مردمانش بوجود آورده است. که این امر با همکاریهای بین‌المللی هیچ ناسازگاری نداشته ونداردو بی‌آنکه برتری وامتیازی را برای ساکنان منطقه‌ای ایجاد نماید، بگونه «یک واقعیت» انکارناپذیر درآمده است بهمان سان که ملتهای دیگر در سرزمینهای خود از حقوق ویژه ملی برخوردار میباشند ملت ایران نیز حق انسانی وعاطفی خود دانسته ومیداند که از خود وارزشهای خود وخانه خود پاسداری نماید.

مرزهای تاریخی

رودهای جیحون (آمودریا) در شمال شرقی وسند در شرق و دجله در غرب دریای خزر در شمال وکوههای بلند قفقاز در شمال غربی ودریای عمان وخلیج فارس در جنوب در بوجود آوردن مرزهای اصلی ایران نقش عمده‌ای داشته‌اند.

وایرانزمین برغم برخی گمانها در تنها محدوده «فلات ایران» قرار نداشته است و «فلات ایران» خود بگونه بخش بزرگی از «ایرانزمین» بشمار رفته است.

در دوران **حکومت مادها** (قرن هشتم پیش از میلاد) بمدت یکصد وپنجاه سال آمودریا (جیحون در شمال شرقی وسرچشمه‌های رود هیرمند در شرق و رود هالیس (قزل ایرماق کنونی) در شمال غربی ورود دجله در غرب ودریای خزر ورود کورا در شمال ودریای عمان وخلیج فارس در جنوب، مرزهای کشور را تعیین میکردند.

در دوران **حکومت هخامنشیان** بر روی هم بمدت دویست وبیست (۲۲۰) سال مرزهای کشور از جانب شمال شرقی به سیر دریا (سیحون) وفراسوی آن رسید ودر بخش شرقی رود سند حالت مرزی پیدا کرد ودر شمال غربی کوههای قفقاز در قلمرو حکومت ایران قرار گرفت ودر غرب کشور در رابطه با «ملل تابعه» دریای سیاه ورود دانو ب ودر جنوب وجنوب غربی مصر ولیبی وشمال عربستان، مرزهای را تحت اختیار کمیسیون مذکور بگذارد (همانجا ص ۲۰)

بی‌آنکه دنباله گفتگوها به **جامعه ملل** کشیده شود براساس عهدنامه‌های ارزنةالروم و قسطنطنیه، قرارداد تحمیلی ۱۳۱۶ خورشیدی برابر با ۱۹۳۷ میلادی شامل شش ماده و یک پروتکل تهیه شد.

در سیزدهم تیرماه همان سال بامضای دکتر ناجی الاصیل وزیر خارجه عراق و عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران رسید و درست چهار روز پس از انعقاد این قرارداد که در آن به «ملکیت ایران در شط‌العرب» اشاره نشده بود و «حق حاکمیت مطلق عراق» را نیز در بر نداشت، پیمان مشهور سعدآباد با شرکت ایران و عراق و افغانستان و ترکیه بنام پیمان عدم تعرض امضاء گردید.

کمیسیون مرزی دو دولت ایران و عراق تا سال **۱۳۱۹ شمسی** به نصب نشانه‌های مرزی پرداختند که آتش جنگ جهانگیر دوم زبانه کشید و بسیاری از کارها ناتمام ماند.

دولت عراق که طبق همان قرارداد تحمیلی استعمار انگلستان، وظیفه داشت هر شش ماه یکبار دولت ایران را در جریان اقدامهای مربوط به اروند رود (شط‌العرب) قرار دهد، از این کار سرباز زد و در منطقه‌های مرزی به ویژه در قسمت آبی هر روز فتنه‌انگیزی برپا کرد.

> *«امروز روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ زده کمک نمایند امروز روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند.*
> *امروز روزی است که عشایر عزیز و غیور ما از مرزهای کشورشان باید دفاع نمایند.*
> *امروز روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که برفرض محال اگر وارد شهری شدند تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌نمایند:*
>
> **امام خمینی**

در پانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۸ شمسی طرح جدیدی بانضمام یادداشتی از طرف سفارت ایران در بغداد به وزارت خارجه عراق فرستاده شد که بی‌پاسخ ماند و حتی در زمانیکه امیرعبدالاله ولیعهد و نایب‌السلطنه عراق باتفاق وزیر خارجه آن کشور به ایران آمدند، سخنی در این زمینه بمیان نیامد.

در پانزدهم ژوئن ۱۹۵۰ دولت عراق طی نامه‌ای «کمیسیون اداره شط‌العرب» را فقط دارای قدرت مشورتی دانست و در عمل همان قرار داد تحمیلی ۱۳۱۶ شمسی هم از درجه اعتبار ساقط کرد.

در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، کارشکنی‌های دولت دست نشانده عراق علیه نهضت ملی ایران ادامه داشت اما بعلت عدم صدور نفت و محدودیت نسبی معاملات تجارتی از این رودخانه مرزی، بهانه‌های زیادی در دست دولت عراق قرار نگرفت تا در سال ۱۳۳۳ شمسی که دولت گودتا، رفت و آمد کشتی‌های نفتکش را در اروند رود (شط‌العرب) آغاز کرد، دولت نامبرده طی نامه‌ای مبلغ ۱/۹۲۶/۱۳۸ دنیار عراقی عوارض کشتیرانی مطالبه نمود (همانجا ص ۴۳)

پیمان بغداد نیز مشکلی از کارها نگشود و با اینکه در سال ۱۹۵۷ میلادی در شورای یورش مغولان و تیموریان نیز سیمای این امر تاریخی را زیاد دگرگون نساخت و مرزهای سیاسی کشور گاه با حکومتهای چندگانه و گاه با کشورگشائی صاحبان قدرت شکلهای سنتی خود را حفظ میکرد و در حالیکه مردم قرار گرفته در سیطره حکومتها، در یگانگی فرهنگی و ایمانی خود، همه گاه پایداری نشان میدادند.

با ظهور سلسله صفوی و تجلی نسبی وحدت سیاسی ایرانیان، مرزهای کشور نیز بسوی مرزهای تاریخی گرایش یافتند. رود جیحون مرز شمال شرقی ایران و قندهار و کلات مرز شرقی، داغستان و گرجستان و شیروان مرزهای شمال غربی و جلگه بین‌النهرین مرزهای غربی و در جنوب نیز چون گذشته دریای عمان و خلیج فارس نقش همیشگی خود را بر عهده داشتند.

در دوره صفوی ارمنستان (شهر بدلیس و وان) گاه از ایران و گاه از امپراطوری عثمانی تبعیت میکرد و **بغداد که همیشه بگونه یک شهر ایرانی**

> *«تکرار میکنم، با هرگونه دخالتی از طرف بیگانگان چه راست چه چپ باید مبارزه کنید و وطن عزیز را از دستبرد حوادث بعون‌الله و رسوله محفوظ بدارید»*
>
> ***بنقل از نطق دکتر مصدق در بیست و دوم فروردین ماه ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی ایران***

باقی مانده بود در اثر نادانی‌های شاه صفی آن پادشاه سنگدل و شکنجه‌گر صفوی بدنبال پیمانی با سلطان مرادخان چهارم در سال ۱۰۴۹ قمری از ایران جدا شد و به عثمانی تعلق پیدا کرد.

پس از شورش افغانها و آشفتگی کشور در اثر تلاشهای سرداری بزرگ چون نادر دوباره ایران بسوی مرزهای تاریخی خود نزدیک گردید. روسها از قفقاز بیرون رانده شدند و دست غارت انگلیسی‌ها از جنوب کشور کوتاه شد. رود سند نقش تاریخی خود را بدست آورد و بخش عمده از سرزمین جدا شده عراق بویژه منطقه‌های ایرانی شیعی‌نشین به ایران ضمیمه گردید و اگر در سه نوبت که نادر بغداد را محاصره کرده بود، توطئه‌ای در داخل ایران بوجود نمی‌آمد که وی ناگزیر شود لشگریانش را بدرون کشور بکشاند، بی‌شک بغداد نیز دوباره در پیوند با جامعه فرهنگی ایران قرار میگرفت.

مرزهای استعمار ساخته

پس از نادر: کشورهای شرقی در برابر توسعه طلبی‌ها و سلطه‌جویی‌های استعمارگران واقع شدند و با اینکه کریم خان زند در خلیج‌فارس علیه دزدان دریائی جنگید و شهر بصره بتصرف ایرانیان درآمد، اما چون دوره‌های فترت دوباره مرزهای ایران دچار آشفتگی گردید و با بکار بردن سیاست شوم «موازنه مثبت» بمرور تمام مرزهایش دگرگون شد.

مرزهای شمال غربی بدنبال عهدنامه عهدنامه ننگین ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ قمری از طرف روسها تحمیل، مرزهای شمال شرقی بدنبال تحریک‌ها و دسیسه‌های استعماری در سال ۱۲۲۹ قمری توسط روسها تعیین مرزهای شرق کشور در عهدنامه پاریس به سال ۱۲۷۳ قمری به پافشاری انگلیس‌ها ساخته گردید و بخش‌های جنوبی شرقی بسال ۱۳۰۸ قمری به حکمیت ژنرال مکلین و بسال ۱۳۲۳ قمری توسط ژنرال ماک ماهون علامت‌گذاری شد. حتی در مرزهای دریائی

> *«مقصود از مهاجرت ما ایرانیان به این کشور اینست که اولا دولت عثمانی صحبت‌الحاق قسمتی از خاک آذربایجان را بخاک عثمانی موقوف نماید تا ثانیاً در موضوع صمیمیت بین برادران مسلمان ایرانی و ترک مذاکراتی بعمل آوریم».*
>
> ***بنقل از گفتگوهای مرحوم مدرس با سلطان محمد پنجم پادشاه دولت عثمانی در اسلامبول***

ایران نیز اشکالهای جدیدی بوجود آمد و برخی از جزیره‌های ایران زیر سلطه بیگانگان قرار گرفت.

بر روی هم در ایران کنونی که نظام جمهوری اسلامی وارث آن است حتی یک وجب مرز تعیین شده بی‌رابطه با خواستهای استعماری نمیتوان پیدا کرد و بهمین دلیل مرزهای استعمار ساخته کنونی ایران نه طبیعی و نه فرهنگی است و بعلت زیر سلطه رفتن ایران در دو قرن گذشته و نبودن یک نظام سیاسی برخاسته از مردم کشور، حتی سیمای مرزهای دوران چندگانگی حکومت را نیز از دست داده است و پیدا است چنین «قفسی» نمیتواند «خانه» همیشگی ملت آزاد شده و آرمانخواه ایران قرار گیرد.

مرزهای غربی کشور

از زمان صفویه تا دوران قاجار، همه گاه میان ایران و عثمانی در کارهای زیارتی اعم از عتبات عالیات در عراق یا مکه و مدینه در عربستان و کارهای ایلی (چراگاهها و ییلاق و قشلاق) بخصوص پیرامون مرزها اختلافهای ریشه‌دار وجود داشته است.

قبیله سبیکی و حیدرانلو که از کردهای ایران بودند در دوره سلطنت فتحعلیشاه پس از یک رشته آشوب به امپراطوری عثمانی پناهنده شدند و بدنبال خواست استر داد آنها، جنگ دوساله‌ای (۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ هجری) میان دو دولت واقع شد و نخستین عهدنامه قاجاریان دراین رابطه در ارزنة الروم بتاریخ ذیقعده ۱۲۳۸ قمری انعقاد یافت که البته متن آن مورد قبول فتحعلیشاه قرار نگرفت، و در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۳۹ قمری متن دیگری تهیه شد که تفصیل آن را در تاریخهای قاجاریه میتوان یافت.

با اینکه در جنگ یاد شده ایران غالب و عثمانی مغلوب بود، اما روف پاشا نماینده عثمانی با چیره دستی توانسته بود میرزا محمدعلی آشتیانی نماینده ایران را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و نه تنها آشوبگران را به ایران مسترد ندارد بلکه بخشهائی از آذربایجان و شهرهای زوروکوی و حریر و ذهاب و ایل بابان را در کردستان و نیز کرمانشاه را طلب نماید، که میرزا ابوالقاسم قائم مقام در نامه‌ای خطاب به وی می‌نویسد:

«اگر خدای نخواسته دست آن عالیجاه از دامن همه چاره و گریز کوتاه شود تا این حد هم اذن و اجازت میدهیم که الفاظ مبهم و فقرات ذوا حتمالین در فصلی که موقع ذکر این مطلب است به زور میرزائی و قوه انشائی بگنجاند که راه سخن برما باقی بماند و این تصرف و تسلطی که حالا داریم سلب نشود و آز عهد نامه بحث بر ما وارد نیاید و این آخر الدوا و آخر العلاج است».

(مقاله آقای دکتر جهانگیر قائم مقامی- مجله بررسی‌های تاریخی شماره مسلسل ۴۸)

عثمانی‌ها بر مبنای دو قرارداد تاریخی انعقاد یافته میان سلطان مراد چهارم و شاه صفی در سال ۱۰۴۹ قمری و سلطان محمود خان اول و نادرشاه در سال ۱۱۵۹ هجری مرزهای خود را تعیین کردند که از قرار مورد قبول فتحعلیشاه هم قرار گرفت بطوریکه در متن آمده است:

«مبنای این معاهده مبارکه بر حدود قدیمه و عهود سابقه است. در تاریخ هزار و پنجاه و نه هجری موافق عهدنامه تجدید عهود الفت شده و در این تاریخ که هزار و دویست و سی و نه است تاکید مشروط مودت میشود»

(متن قرارداد بخط و انشای میرزا ابوالقاسم قائم مقام، همانجا)

در سال ۱۲۵۳ قمری زمانی که دو دولت ایران درگیر جنگهای هرات بود علیرضا پاشا والی بغداد زمان را مناسب تشخیص داد و در رجب سال بعد شهر محمره (خرمشهر) را تسخیر کرد و ادعای مالکیت آنرا از طرف دولت عثمانی اعلام نمود.

محمد شاه برای حل این دشواری که بشدت مورد توجه انگلیس و روسیه هم بود، میرزا تقی خان وزیر نظام (امیر کبیر زمان ناصرالدین شاه) را بسمت نمایندگی به ارزنة‌الروم فرستاد و از سال ۱۲۵۹ قمری تا ۱۲۶۳ قمری پس از گفتگوهای فراوان با شرکت انور افندی نماینده عثمانی، و کلنل دنیس نماینده روس و کلنل ویلیامز و ماژر فرانت و ربرت کرزن نمایندگان انگلیس، که متن عهدنامه ایران و عثمانی انعقاد یافت.

این عهدنامه هم مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت زیرا دولت عثمانی از پرداخت پنج کرور تومان خسارت و غرامت جنگی خرمشهر طفره رفته بود.

روسها و انگلیسها که میخواستند بهر نحو که ممکن است این قرارداد امضاء شود در سال ۱۲۶۴ قمری با میرزا محمد علی خان وزیر مختار ایران در پاریس که در حال بازگشت به ایران بود، در اسلامبول گفتگو کردند و از وی خواستند که عهدنامه مزبور را امضاء کند، نامبرده هم خودسرانه، به این خواسته اقدام کرد. که البته دولت ایران آن را نپذیرفت (۱)

ارگان حزب ملت ایران

پس از این ماجرا گفتگوهای زیادی میان نمایندگان ایران و عثمانی بعمل آمد که بی‌نتیجه ماند و اهم آنها عبارت بودند:

– میان میرزا جعفرخان مشیرالدوله صاحب کتاب **رساله سرحدیه** و درویش پاشا به سال ۱۲۶۶ قمری در بغداد و محمره (خرمشهر)

– میان میرزا جعفرخان مشیرالدوله و نمایندگان عثمانی به سرکردگی درویش پاشا به سال ۱۲۶۸ قمری در ذزفول

– میان احتشام السلطنه و میرزا جهانگیر خان ناظم الملک و زکی پاشا و همراهان بسال ۱۳۲۴ قمری در موصل

–میان محتشم‌السلطنه (ص) (حسن اسفندیاری) و میرزا جهانگیرخان و طاهر پاشا و همراهان بسال ۱۳۲۵ قمری در خطوط مرزی

در این مدت جنگ وکشمکش میان مرزبانان دو کشور برقرار بود و گاه عثمانی‌ها به شهرهای ایران چون ارومیه و خوی و ساوجبلاغ حمله میکردند تا در سال ۱۳۲۹ قمری (برابر با ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ میلادی) مقاوله نامه‌ای میان وزارت امور خارجه ایران و سفیر عثمانی در تهران امضاء گردید که سه شرط اساسی داشت:

۱– کمیسیونی با تساوی اعضاء در اسلامبول منعقد شود

۲– مبنای مذاکرات عهدنامه ارزنه‌الروم باشد

۳– هرگاه اعضاء کمیسیون نتوانستند تسویه مواد اختلافیه را بنمایند به کنفرانس لاهه رجوع کنند» **(مرزهای ایران** ص ۶۹)

اعتمادالملک و ناظم‌الملک که از طرف دولت ایران نمایندگی یافته بودند در سال ۱۳۳۰ قمری راهی اسلامبول شدند و پس از هیجده جلسه گفتگو (از پنجم ربیع‌الثانی تا نهم رمضان ۱۳۳۰ قمری)، سرانجام **مقاوله نامه اسلامبول** (عهدنامه قسطنطنیه) را تنظیم کرده و در ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۱ قمری برابر با ٤ نوامبر ۱۹۱۳ به امضای نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس رساندند روشن است که چرا دو دولت روس و انگلیس با اینکه نتوانسته بودند عهدنامه شوم ۱۹۰۷ را در ایران عملی کنند، باید پای این مقاوله نامه میان دو دولت همجوار را امضاء نمایند.

این پروتکل نیز نه به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید و نه به تصویب مجلس مبعوثان عثمانی و نه پادشاه ایران و نه سلطان عثمانی که ریاست قوه اجرائیه را برعهده داشتند، آنرا امضاء کردند در حالیکه ایرادهای دوجانبه براین مقاوله نامه وارد میشد زمان به جنگ جهانگیر نخست کشیده شد و امپراطوری عثمانی تجزیه گردید و ایران در مرزهای غربی خود با دو کشور نوبنیان ترکیه و عراق روبرو شد.

تجدید و تعیین مرزهای ایران و ترکیه یک بار در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ شمسی مورد بحث قرار گرفت که نتیجه‌ای عاید نگردید و بار دیگر در سال ۱۳۱۱ شمسی در طول ۵۳۶ کیلومتر خط مرزی دو کشور قراردادی بر مبنای عهدنامه ارزنه الروم و مقاوله نامه اسلامبول به امضاء رسید که تاکنون مورد قبول دو دولت قرار دارد.

اختلاف و کشمکش مرزی ایران و عراق

درسال ۱۹۲۰ میلادی سرزمین بین‌النهرین تحت‌الحمایه انگلیس شد ولی بیدرنگ شیعیان آن دیار برهبری جامعه روحانیت به مخالفت با این حرکت استعماری برخاستند که موجب تبعید گروهی از آنان به ایران درسال ۱۹۲۲ میلادی گردید.

دولت استعماری بریتانیا با به سلطنت رساندن پسر شریف حسین بنام امیر فیصل و برپائی نظام مشروطه سلطنتی و ایجاد سازمانهای اداری، بمرور کشوری را بنام «عراق» بوجود آورد که با قراردادی درسال ۱۹۳۰ این کشور «خلق‌الساعه» بطور رسمی تحت نفوذ بریتانیای کبیر قرار گرفت و از آن زمان هرنوع پیمانی که میان این کشور استعمار ساخته و هرکشور دیگری، انعقاد می‌یافت درحقیقت باید خواستهای امپریالیسم انگلستان را کارساز اصلی آن بشمار آورد.

کشور ساختگی عراق با چند استان ایران هم مرز است.

– دربخش بالائی– کردستان

– دربخش میانه– کرمانشاهان و ایلام

– دربخش پائینی– خوزستان که دراین بخش اضافه برمرزهای زمین، مرزهای آبی اروند رود (شط‌العرب) چشمگیرتر می‌باشد.

دولت انگلیس برای سامان دادن اختلافهای مرزی و خدشه ناپذیر کردن سلطه خود درمنطقه درسال ۱۹۲۹ میلادی به اقدام جدی‌تر دست زد و ازطریق وزیر مختارش طی نامه‌ای به وزیر خارجه ایران نوشت:

«بدوستدار دستوراتی رسیده است که بموجب آن می‌توانم حضرت اشرف را صریحاً مطمئن سازم درصورتیکه دولت متبوعه شما امروز حاضر به شناختن عراق باشد پس از استحضار از جزئیات اشکالاتی که عملاً برای دولت ایران بواسطه وضعیت فعلی درشط‌العرب رخ میدهد و تامیناتی را که دولت ایران تقاضا میکند دولت متبوعه دوستدار نزد دولت عراق وساطت خواهد کرد که ایران بتواند به اخذ تقاضاهای معقول خود موفق گردد»

(حقایقی چند درباره اختلاف ایران و عراق راجع به شط‌العرب– نشریه وزارت امور خارجه ص۸)

با کمال تأسف نظام سلطنتی دست نشانده ایران که ماهیتی جز تبعیت نداشت دردام این نیرنگ افتاد و دولت بی‌بنیاد عراق را درسال ۱۹۲۹ میلادی برسمیت شناخت و با اینکه قرار بود درسال ۱۹۳۱ میلادی (برابر ۱۳۱۰ شمسی) دربصره جلسه‌ای برای پایان دادن اختلافهای مرزی تشکیل شود، دولت عراق زیرسلطه انگلیس هرسال آنرا بتعویق می‌انداخت

> • *«امروز هر طور باشد میگذرد، لیکن این مصالحه که ما می‌کنیم نفع وضررش دایمی وابدی است وکار دنیا سخت وسست است، باید فکر اوقات ضعف و سستی را کرد وغم کار مردم ایران را در ایام بعد خورد.*
>
> *همچنانکه عمل سلاطین صفوی ونادرشاه برای ما حجت خصم شده است، عمل ما هم برای هر که بعد از این بیاید حجت خواهد شد، از اینها گذشته نام وننگ هم در عالم چیزی است.*
>
> **بنقل از دستورالعمل میرزاابولقاسم قائم مقام به میرزا محمدعلی آشتیانی در مورد تعیین مرزهای ایران با عثمانی**

تا اینکه ملک فیصل در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی وارد ایران شد و پس از مذاکراتی قرار بر این شد که رضاخان دنباله گفتگوها را در عراق ادامه دهد که ناگهان ملک فیصل در ۱۷ شهریورماه ۱۳۱۲ شمسی در برن درگذشت و اختلافات مرزی همچنان باقی ماند.

کشمکش‌های مرزی وضع را بمرحله خطرناکی رساند و دولت عراق در سال ۱۹۳۵ به جامعه ملل شکایت کرد و خواستار اجرای عهدنامه «ارزنته، الروم» و مقاوله‌نامه «قسطنطنیه» گردید. گردید. نمایندگان روسیه و ترکیه، دولتهای خود از «ذمه» دو عهدنامه یاد شده تبرئه کردند و به پیشنهاد نماینده ایتالیا، تشکیل جلسه‌ها به سپتامبر ۱۹۳۶ موکول گردید.

نوری سعید آن عامل سرسپرده استعمار بریتانیا، همراه وزیر دادگستری عراق و رئیس انگلیسی بندر بصره در مردادماه ۱۳۱٤ شمسی به ایران آمدند و پس از گفتگوهائی زمینه انعقاد قرار داد جدیدی را فراهم کرد.

برای روشن‌تر شدن چگونگی انعقاد این قرارداد یادآوری چند نکته ضرور است

– دولت آلمان در اروپا بگونه قدرت جدیدی پیشروی میکرد.

– دولت ایتالیا حبشه را تسخیر کرده بود که برای استعمار بریتانیا آسیب فراوان داشت

– دولت روسیه شوروی از هر نوع اختلاف در منطقه به سودجوئی و گسترش نفوذ می‌پرداخت.

– سلطنت ایران و سلطنت عراق هر دو دست نشانده بریتانیا بودند.

با شناخت شرایط و چگونگی اوضاع برشمرده، معلوم است که نوری سعید چرا در نامه دوم خردادماه ۱۳۱۵ شمسی خود بوزیر مختار ایران در بغداد می‌نویسد.

«کمیسیون سیرسفاین باید مرکب از سه عضو باشد و یگانه دولتی که در این امر مصالح دارد دولت انگلیس است» (همانجا ص ۱۹)

یا کاردار انگلیس در تهران در تاریخ تیرماه ۱۳۱۵ شمسی به وزارت امور خارجه ایران اظهار میدارد:

«دولت انگلیس اختلافات را بطریق زیر قابل تصفیه میداند:

۱– در مقابل آبادان لنگرگاهی به فراخور احتیاج بندر مزبور به ایران واگذار شود.

۲– دولت انگلستان در مذاکرات و امضای قرارداد راجع به اداره مشترک شط‌العرب شرکت کند و نماینده در کمیسیون مختلط داشته باشد.

۳– اختیارات کمیسیون محدود به ترتیب سیر سفاین بشود و در حفاری و پاک کردن و نگاهداری شط‌العرب بشرطی دخالت کند که دولت ایران هم قسمتی از نهر کارون و تمام مجرای بهمنشیر حکومتی را تشکیل دادند.

با یورش یونانیان بسرکردگی اسکندر مقدونی نزدیک هفتاد سال مرزهای ایران آشفتگی پیدا کرد اما پس از پایان سلطه بیگانگان در «ایران زمین» **اشکانیان** که از شرق کشور برخاسته بودند، بمدت چهارصدوهشتاد سال توانستند کمابیش حکومت خود را در مرزهای قبلی کشور برقرار نمایند.

در بخش‌های شرقی و شمال شرقی ایران رود سند و سیر دریا و در غرب کشور رود فرات و درشمال کوههای قفقاز و در جنوب دریای عمان و خلیج فارس موقعیت مرزی خود را حفظ کردند. در دوره **حکومت ساسانیان** بمدت چهارصدو بیست سال به‌علت نفوذسیاسی در غرب ایران، مرزهای شرقی اندک دگرگونی پیدا کرد و آمودریا بجای سیر دریا مرز کشور بشمار آمد و رود سند در همان وضع تاریخی باقی ماند. در مرزهای شمالی هم تغییرهای کوچکی پدید آمد اما همه‌گاه رود فرات و سرزمین‌های حاصلخیز بین‌النهرین در قلمرو ایرانیان بود.

در بخش جنوب کشور علاوه بر دریای عمان و خلیج فارس، عربستان شمالی و بمرور کشور یمن در زمره «ملل تابعه» قرار گرفتند و بدنبال کشورگشائی‌های دیگری در غرب کشور و جنگهای دنبالهدار با رومیان، کرانه‌های دریای سیاه و شهر تاریخی انطاکیه نیز مدتها در تبعیت حکومت ساسانیان قرار گرفت و مرکز سیاسی امپراطوری شهر بزرگ **تیسفون** (مدائن) بود که در کنار رود دجله قرار داشت و هم اکنون ایوان ویران شده آن چون «آینه عبرت» در نبردگاه رزمندگان ایران با عاملهای امپریالیسم خون‌آشام آمریکا، درخشندگی خود را نشان میدهد.

مرزهای ایران بعد از اسلام

ایرانیان که از هزارههای پیش از اسلام زندگی اجتماعی و فرهنگی خود را با بستگی‌های فراوان در گستره «ایرانزمین» آغاز کرده بودند و با تشکیل حکومتهای **تاریخی مادها و هخامنشیها و اشکانیها و ساسانیها**، بر روی هم مدت یکهزار وسیصدسال در مرزهای طبیعی و فرهنگی و سیاسی بسر برده بودند، با ظهور اسلام و گرایش مردم این سرزمین به دین جدید، مدتی مرزهای سیاسی کشور دچار آشفتگی گردید و با اینکه دولتهای طاهری و صفاری و سامانی وزیاری و بویه‌ای و حکومتهای محلی دیگر بخشهائی از این کشور فرمانروائی داشتند یا نظامهای گسترده‌تری از ترکان آسیای مرکزی چون غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی در بخش‌های عمده‌تری از ایران زمین حکومت راندند، اما هیچگاه بطور دقیق یک حکومت واحد سازمان یافته در چارچوب مرزهای طبیعی و فرهنگی ایران تحقق پیدا نکرد.

> *«جناب فریق پاشا با اسعد پاشا قرارداد که سفیر وهمراهانش را به اردوی نظام خود برده تا منزلی معین شود. اسعد پاشا گفت:*
>
> *اگر چنین است باید چند دست ملبوس رومی بیاورند و ملبس به آن لباس شده بروند که اهالی شهر ایشان را نشناسند و مجدداً قصد فسادی نکنند.*
>
> *میرزا تقی خان جواب داد که:*
>
> *هیهات با چومن پخته‌ای این خیال خامی است که کرده‌اید، نعوذبالله من ذلک، هرگز به خلاف زی دولت ایران رفتار ننمایم»*
>
> **بنقل از روضه‌الصفای ناصری در خصوص سفارت امیر کبیر به ارزنه‌الروم برای تعیین مرزهای ایران**

وزیران این پیمان در کراچی میان دکتر اقبال و نوری سعید آن دو عامل استعمار گفتگوهائی بعمل آمد و دودولت و نامه‌ها و یادداشتهائی بهم دادند و حتی در تهران نیز میان ملک فیصل دوم پادشاه عراق و مقامات حکومت دشت نشانده ایران مذاکراتی شد اما در حل قضیه هیچ حرکت درستی بظهور نرسید و پس از کودتای چهاردهم ژوئیه ۱۹۵۸ میلادی، وضع تیره‌تر هم گردید و بااینکه چندین بار میان کاربدستان سیاسی خارجی ایران و عراق دیدارهائی دست داد و نامه‌ها و طرح‌ها و شکایت نامه‌هائی ردوبدل گردید (ازجمله درباره بندر خسروآباد و کشتی‌های شرکت ایران– پان آمریکن و بندر داری آبادان)، ولی بعلت ضعف دولت ایران و وابستگی‌هایش، کوچکترین پیروزی حاصل نشد.

سرانجام در دوم دسامبر ۱۹۵۹ میلادی عبدالکریم قاسم رئیس دولت عراق مسأله اروندرود (شط‌العرب) را به شیوه جدیدی، برخلاف همه داده‌های تاریخی بزیان ملت ایران توجیه کرده، چنین بیان داشت:

«عهدنامه ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) بر اثر فشار به عراق تحمیل شده و دولت عراق بقدر پنج کیلومتر از شط‌العرب را به همسایه خود بخشید و این بخشش بود، حق مکتسب نبود.

پنج کیلومتر در مقابل آبادان فقط برای این منظور بخشیده شد که از طرف شرکتهای نفت مورد استفاده قرار گیرد و آنها از پرداخت مالیات به عراق خلاصی یابد.

عراق در موقعی که وضع بغرنجی داشت و تحت تأثیر عوامل فشار پنج کیلومتر بایران بخشید و در این باره ایران مستحق نبود ولی عراق امیدوار بود که مسائل مرزی حل شود.

لیکن مسائل مرزی مثل سایر مسائل تاکنون حل نشده و اگر این مسائل در آینده حل نشود ما در موضوع بخشش این پنج کیلومتر پای‌بند نخواهیم بود» (همانجا ص ٦۰)

با کمال تأسف بعلت شرایط سیاسی ایران در آن روزگار در رابطه با مسائل کردستان و دشواریهای مبارزاتی ملتهای عرب و بی‌اختیار بودن دولت ایران در تصمیم‌گیریهای درست، باز حقوق از دست رفته ملت ایران تأمین نگردید.

در سال ۱۹٦۳ میلادی با کودتای محمد عبدالسلام عارف، حکومت عبدالکریم قاسم ساقط شد و حزب بعث از این طریق بقدرت رسید و اندک اندک همه قدرت‌ها را در دست گرفت و در سال ۱۹٦۵ میلادی که کشتن برادران کرد آنسوی مرز شدت یافته بود، دولت بعثی عراق برغم برخی قول و قرارها، حتی چند دهکده مرزی ایران را بمباران کرد.

در سال ۱۹٦٦ میلادی در دوره زمامداری عبدالرحمن عارف، گفتگوهائی میان عدنان پاچه‌چی وزیر خارجه عراق و دولت ایران بعمل آمد و در سال ۱۹٦۷ میلادی (۱۳٤۵ شمسی) که عبدالرحمن عارف به ایران مسافرت کرد دنباله گفتگوها ادامه یافت و وضع اندکی روشن گردید

اما در ۱۷ ژوئیه ۱۹٦۸ میلادی که حزب بعث با کودتای خود حکومت را یکسره در عراق بدست گرفت وحسن‌البکر رئیس جمهور عهددار سمت نخست‌وزیری شد مساله مرزی ایران شکل جدیدتری را بخود گرفت.

در دسامبر ۱۹٦۸ میلادی (چهاردهم آذرماه ٤۷) سپهبد تکریتی وزیر دفاع ومعاون رئیس جمهوری وفرمانده نیروی هوائی عراق همراه هیاتی بایران آمد پس از گفتگوهای زیاد ورفتن هیاتی از ایران به بغداد وگفتگوهای طولانی سرانجام کار بهمان مرحله رسید که عبدالکریم قاسم بیان کرده بود.

دولت ایران در اسفندماه ۱۳٤۷ شمسی قرار داد ۱۳۱٦ شمسی را «بی‌ارزش وکان‌لم‌یکن» اعلام کرد. (همانجا ص ۷۷)

نعم‌النعهد معاون وزارت خارجه عراق، سفیر ایران را در ۲٦ فروردین ماه ۱۳٤۸ شمسی بدفتر خود دعوت کرد وبیان داشت:

«دولت عراق شط‌العرب را جزوی از قلمرو خود میداند واز دولت شاهنشاهی تقاضا دارد به کشتی‌هائی که پرچم ایران را در شط‌العرب برافراشته‌اند دستور داده شود پرچم ایران را پائین بیاورند واگر از نفرات نیروی دریائی کسی در کشتی باشد خارج شوند والا دولت عراق مامورین نیروی دریائی ایران را با توسل بزور از کشتی خارج خواهد ساخت ودر آتیه اجازه نخواهد داد کشتی‌هائیکه مقصد آنها بنادر ایران است وارد شط‌العرب شوند «(همانجا ص ۸۳)

امیرخسرو افشار قائم‌مقام وزارت خارجه ایران نیز در ۳۰ فروردین ماه ۱۳٤۸ شمسی در پاسخ به دولت عراق در مجلس سنا اعلام کرد:

«نظر بدلائلی که باستحضار مجلس سنا رسید عهدنامه مرزی ۱۳۱٦ بین ایران وعراق نقض شده واز لحاظ دولت شاهنشاهی بلا ارزش وکان لم یکن می‌باشد ودولت شاهنشاهی در سراسر شط‌العرب هیچ اصلی جز اصل شناخته شده در حقوق بین‌الملل یعنی اصل تالوگ را قبول ندارد وبنابراین با تمام قوا از هرگونه تخطی بحقوق حاکمیت خود در آبهای شط‌العرب جلوگیری نموده واجازه تجاوز به احدی نخواهد داد» (همانجا).

از آن تاریخ اختلافات ایران وعراق در رابطه با وابستگی‌های دو کشور به دو ابر قدرت شدت یافت. زد وخوردهای زیاد در منطقه بوجود آمد ورویدادهائی‌چون جدائی بحرین از ایران (فروردین ماه ۱۳٤۹ شمسی واعلام مالکیت ایران برسه جزیره خلیج فارس که ایرانی بود نشان هیچگاه مورد تردید قرار نگرفته بود، وپذیرش نقش ژاندارمی شاه در خلیج فارس بسود

بقیه در صفحه ششم

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم شماره ۲۷

شناخت گستره ایران‌زمین

امپریالیستها و تضاد آن با نقشی که حکومت نژادگرای بعث عراق برعهده داشت، از جمله مسائلی بودند که همگام با قتل‌عامهای بیرحمانه صدام‌حسین و هم‌دستانش در کردستان عراق، چهره سیاسی منطقه را خونین کرده بود.

بدنبال زد و بندهای سیاسی امپریالیسم امریکا با ایران و عراق که بی‌شک رضایت روسیه را نیز در برداشت در ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۳ شمسی، در پی دیدار شاه خلع شده با صدام‌حسین در الجزایر توافقنامه‌ای امضاء شد که بر مبنای آن در ۲۳ خردادماه ۱۳۵٤ برپایه خط «تالوگ» (خط منصف یا منصف‌المیاه یا خط القعر) قرارداد جدیدی تنظیم و تصویب گردید و بظاهر اختلافهای دو دولت پایان پذیرفت.

* * *

با الهام از «موافقتنامه الجزایر»، چندین قرارداد و توافقنامه میان ایران و عراق بشرح زیر بامضاء رسید.

۱- عهدنامه مربوط بمرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق

۲- موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به تعلیف احشام

۳- موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به کلانتران مرز

٤- موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به استفاده از آب رودخانه‌های مرزی

۵- حل و فصل جامع و قطعی کلیه مسائل و دعاوی در حال تعلیق بین ایران و عراق

٦- موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در شط‌العرب.

تا زمانیکه سلطنت استبدادی وابسته به بیگانه در ایران موجودیت داشت، اختلاف چندانی میان دو دولت بوجود نیامد و اشتراک در سرکوبی نهضت‌های رهائی‌بخش و ملتهای زیر سلطه منطقه، در همگامی با امپریالیستها [illegible] وافق دو دستگاه دست نشاندگان از دوره‌های پیش، فزونتر ساخته بود. با برپائی نظام جمهوری اسلامی ایران و نابودی همیشگی سلطنت وابسته دولت بعثی عراق که خود را «ژاندارم» انحصارگر خلیج فارس یافته بود، ناسازگاریها و توطئه‌ها و خرابکاریهایش را در ایران شدت داد.

در سرتاسر مرزهای یکهزاروسیصدوپنجاموسه کیلومتری ایران (از کوه دالامبر در مرز ایران و ترکیه تا مصب اروندرود) تا آنجا که در توان داشته آشفتگی ببار آورد.

-از مرزهای کردستان برخلاف پروتکل مربوطه به امنیت مرزی و «پایان دادن به هر نوع رخنه اخلالگرانه» و مبادله اطلاعات مربوط به تردد عناصر اخلالگر، خود شروع به اخلال و فتنه‌انگیزی کرد و عوامل خودفروخته‌ای را جهت آشوب به ایران گسیل داشت و در استان خوزستان با ایجاد «گروهک»های مزدور به امنیت و استقلال و تمامیت ارضی ایران اهانت کرد.

- در کارهای زیارتی و نحوه اداره اماکن متبرکه شیعیان بی‌نظمی و دخالتهای ناروا بکار برد.

- در دیدوبازدید ایرانیان از یکدیگر و مسافرتهای خانوادگی اشکال ایجاد نمود و گروها گروه از مردم ساکنین آن دیار را «آواره» ساخت.

- از کوششهای فرهنگی و مذهبی ایران که حق ملی و انسانی مورد تائید همه سازمانهای بین‌المللی است، ممانعت کرد.

- با بودن موافقتنامه مربوط به «تعلیف احشام» و رواج سنتی آن، تا آنجا که تحت نظارت و مراقبت دو دولت قرار میگرفت، تسهیلات لازم را بکار نگرفت.

- در رابطه با وظایف کلانتران مرزی در حل‌وفصل گرفتاریهای عادی ساکنان البته اشکالات زیادی وجود نداشت، اما نشانه‌هائی از روحیه هم‌آهنگی و مساعدت نیز بچشم نمی‌خورد.

این نابسامانیها و دهها معضل دیگر، در یکسو قرار داشتند اما مشکلات ناشی از دخالتهای ضدقانونی عراق در امر کشتیرانی و اداره اروندرود در سوی دیگر عمده‌ترین نابسامانیهای مرزی ایران را بشمار آورد و دولت خودفروخته بعثی نیز تبلیغات و حمله‌های بنیادی را از این بخش مرزی آغاز کرد که باعتباری «شجرةالخبیثه» میهن عزیز ماست برای اینکه بطور دقیق بدکرداری و نوکرصفتی این دولت نژادگرا و ضدایرانی شناخته شود، باید به چند فقره از موافقتنامه دو دولت که در بیستوسوم خرداد سال ۱۳۵٤ شمسی بامضاء رسید، عنایت بیشتری بعمل آید.

در پروتکل تعیین مرز رودخانه‌ای این ماده‌ها بسیاری اساسی است:

ماده ۱/۲- خط مرزی در شط‌العرب از نقطه‌ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شط‌العرب میرسد تا دریا- مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پائین‌ترین سطح قابلیت کشتیرانی را طی میکند.

ماده ۲- خط مرزی بنحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی، تغییر خواهد نمود خط مرزی براثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد مگر آنکه طرفین متعاهدین موافقتنامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند.

ماده ۷-۱- کشتی‌های تجارتی و دولتی و نظامی طرفین متعاهدین از آزادی کشتیرانی در خط شط‌العرب برخوردار خواهند بود و صرفنظر از حدود دریای سرزمینی هریک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمین تا مصب شط‌العرب ماده ۲/۷ کشتیهای مورداستفاده برای تجارت و متعلق به کشورهای ثالث براساس مساوات و عدم تبعیض از آزادی کشتیرانی در شط‌العرب برخوردار خواهند بود. صرفنظر از حدود دریای سرزمین هریک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشترانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شط‌العرب.

ماده ۳/۷- هریک از طرفین متعاهدین می‌تواند ورود کشتی‌های نظامی خارجی را در شط‌العرب برای بازدید از بنادر خود اجازه دهد مشروط براینکه کشتیهای مزبور به کشوری که درحال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین متعاهدین باشد -متعلق نبوده و مراتب در مهلتی که از هفتادودوساعت کمتر نباشد- به طرف دیگر اعلام گردد.

٤/۷- طرفین متعاهدین در تمام احوال از صدور اجازه ورود به شط‌العرب برای کشتی‌های تجارتی متعلق به کشوری که درحال مخاصمه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد- اجتناب خواهند نمود.

ماده ۱/۸- مقررات مربوط به کشتیرانی در شط‌العرب توسط یک کمیسیون مختلط ایران و عراق برمبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت- تنظیم خواهد شد.

۲/۸- طرفین متعاهدین کمیسیونی بمنظور تنظیم مقررات مربوط به جلوگیری و کنترل آلودگی شط‌العرب تشکیل خواهند داد.

۳/۸- طرفین متعاهدین متعهد میشوند متعاقباً موافقتنامه‌هائی درباره مسائل مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر منعقد نمایند.

ماده ۹- طرفین متعاهدین- با اذعان باینکه شط‌العرب اصولاً یک آبراه کشتیرانی بین‌المللی است- متعهد میشوند از هرنوع بهره‌برداری که نفساً مانع کشتیرانی در شط‌العرب و دریای سرزمینی هریک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تامصب شط‌العرب گردد- اجتناب نمایند.»

در عهدنامه «حسن همجواری بین ایران و عراق» که در همان تاریخ بامضاء رسیده است چنین آمده است:

«در قالب غیرقابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر و دائمی و قطعی می‌باشد» (ماده ۵) و در بخش‌های بعد اضافه شده:

«در صورت عدم توافق، طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت سه ماه بمساعی جمیله یک دولت ثالث توسل خواهند جست» (ماده ٦/۳)

«در صورت خودداری هریک از طرفین از توسل بمساعی جمیله یا عدم موفقیت آن از طریق داوری حل و فصل خواهد شد» (ماده ٦/٤)

«در صورت عدم توافق بین طرفین معظمین متعاهدین نسبت به آئین و یا نحوه داوری، هریک از طرفین معظمین متعاهدین می‌تواند ظرف پانزده روز از تاریخ احراز عدم توافق بیک دادگاه داوری مراجعه نماید.» (ماده ٦/۵)

* * *

با اینکه موافقتنامه الجزایر دربردارنده حقوق تاریخی ملت ایران نبود، اما همان متن که با پادرمیانی امریکای جهانخوار بامضاء رسید، مورد تجاوز آشکار دولت عراق بدستور همان میانجی سالهای ۱۳۵٤ و ۱۳۵۳ قرار گرفت.

مقررات مربوط به اروند رود (شط‌العرب) که طبق قواعد بین‌المللی خط تالوگ مورد تملک و استفاده ایران هم قرار داشت بظاهر، و یکباره توسط صدام حسین در ۲٦ شهریور ماه ۱۳۵۹ لغو گردید و سه روز پس از آن فرودگاهها و شهرهای بی‌دفاع ایران زیر بمبهای آتشناک دشمن قرار گرفت در حالیکه تمام ماده‌های «موافقتنامه حسن همجواری» راه‌حل هرنوع اختلاف و سوءتفاهم را نشان داده بود.

این عمل دیوانه‌وار صدام حسین و یاران مزدورش در حزب نژادگرای بعث عراق همراه دهها عمل خصومت‌آمیز دیگر نشان داد که برای دولت دست نشانده عراق مساله مرزی وحل آن موردنظر نبوده است، بهمان سان که نگاهداری نظام سلطنتی سابق برای امپریالیستها همکاری دو دولت دست نشانده را ایجاب میکرد وملاقات الجزایر را بدنبال می‌آورد، امروز هم در وابستگی به امپریالیستهای جهانخوار، نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران وویرانگری، همه ساربدگیهای ملی هدف قرار گرفته است. بدیگر سخن دولت خود فروخته عراق با شروع این جنگ تحمیلی علیه ایران ومردم مسلمان دو سوی مرزهای استعمار ساخته، حاکمیت ملی ونظام جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داده است واین فقط عراق، یعنی دولت نژادگرای عراق نیست که علیه ایران بپا خاسته می‌جنگد، این امپریالیستها هستند که میخواهند انقلاب ملت بزرگ ما را نابود سازند و صدام حسین عامل و آلت خود فروخته ودیوانه این مصیبت بزرگ است که بی‌شک نابودی خودش را پیش از همه چیز فراهم آورده است.

* * *

ملت ایران در این برهه تاریخی وبا شناخت همه حرکتهای شوم جهانخواران علیه انقلاب ایران وآگاهی کامل از گذشته‌ها وآنچه امروز بر منطقه میگذرد، حق دارد که:

هیچ آتش بسی را نپذیرد.

به هیچ سازمان بین‌المللی که در هم کوبنده حق حاکمیت ملی آن بوده است، روی نیاورد.

به هیچ «میانجی» و هیچ «میانجی‌گری» اعتنا نکند.

وبدستور یکتا رهبر انقلاب جنگ برای «عزت وشرف ومیهن ودین» خود را تا آخرین نفر و آخرین نفس ادامه دهد.

وآگاهانه وصمیمانه اعتقاد ورزد:

دراین جنگ تحمیلی هر قدرت وابرقدرتی که سکوت کند، دشمن ایران است.

درین نبرد حق وباطل، هر سازمان ونیروئی که اظهار بیطرفی کند، طرفدار باطل است. وبالاخره دراین معرکه آینده ساز، هر کشوری که به دشمن بپیوندد، اعلام جنگ با ایران کرده است وباید عواقب آنرا تحمل کند.

ملت ما، ارتش دلاور ما، پاسداران از جان گذشته ما، همه وهمه چون توفانی خروشان بحرکت درآمده‌اند و در یکی از بنیادمندترین حرکتهای تاریخی خود، همه دشمنان ایران و انقلاب شکوهمند آن، بویژه نابودی خواهند کشاند.

۱- درفقره دوم این قرارداد آمده است:

«دولت ایران تعهد میکنند که جمع ارضی بسیطه ولایت ذهاب یعنی ارضی جانبغربی آنرا به دولت عثمانی واگذار کنند.

دولت عثمانی هم متعهد میشوند که جانب شرقی ولایت ذهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کردند به دولت ایران ترک کنند و دولت ایران قویاً تعهد میکنند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرفنظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتاً من‌الاوقات یک طور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانیه نیز تعهد میکنند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط‌العرب که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران به آزادی تمام از محلی که به بحر منصب میشود تا موضع الحاق حدود طرفین در بحر مذکور آمد و رفت نمایند (بنقل از مرزهای ایران نگارش محمد علی فجر ص ٦٤)

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی برتر با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره (۲۷۹۸۰)

باستناد صورتجلسه مورخ ۱۳۵۹/٦/۱ مجمع عمومی شرکت مذکور ۱- موضوع شرکت بشرح زیر اصلاح گردید موضوع شرکت «انجام کلیه عملیات مقاطعه‌کاری مربوط به امور راهسازی ـ ساختمان- راه‌آهن سدسازی- ابنیه فنی- شهرسازی ولوله‌کشی- نصب کارخانجات- آبرسانی وهرنوع معاملات تجارتی نسبت به ماشین آلات ومصالح مربوطه ۲- مرکز اصلی شرکت به خیابان کارگر شمالی- خیابان کاشانک شماره ۳۵ انتقال یافت ۳- آقای عسگری مدنی کلیه سهم‌الشر که خود را دریافت واز شرکت خارج گردید ٤- آقایان مهندس حبیب‌اله رستگار خالد سه ملیون ریال ومهندس منوچهر سیفی سه میلیون وششصدهزار ریال و خانم ناهید ژیان ندیمی یک میلیون ودویست هزار ریال بصندوق شرکت پرداخت ودر ردیف شرکاء قرار گرفتند ۵- آقایان مهندس فریدون صفی‌نیا وخدایار صفی‌نیا سهم‌الشرکه‌های خود را بترتیب به سه میلیون ریال ویک میلیون ودویست هزار ریال تغییر دادند ٦- سرمایه شرکت از پنج میلیون ریال به دوازده میلیون ریال افزایش یافت وشرکاء وسهم‌الشرکه هریک بشرح بندهای ٤ و۵ بالا خواهد بود ۷- آقایان مهندس حبیب‌اله رستگار خالد بسمت عضو ومدیرعامل ومهندس فریدون صفی‌نیا بسمت رئیس هیئت مدیره ومهندس منوچهر سیفی بسمت نایب‌رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند وکلیه اسناد مالی که به نحوی از انحاء برای شرکت ایجاد تعهد مالی نماید از قبیل چک وسفته وبرات وغیره با امضاء متفق مدیر عامل ورئیس هیئت مدیره ومهر شرکت معتبر میباشد ۸- مواد ۳ و۵ و۸ اساسنامه بشرح صورتجلسه اصلاح گردید. م- الف ۱٦۰۵۰

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی انحلال شرکت ساختمانی مارچ با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲٦۲۳۸

برابر تصمیم مجمع‌عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۵ شرکت نامبرده منحل گردید و آقای احمد احمدی بسمت مدیرتصفیه انتخاب شد. مرکز تصفیه و نشانی مدیرتصفیه- شهرری- میدان سرتخت- کوچه اندرمانیها شماره ۷۲۹ میباشد. مدیرتصفیه اقرار و اعتراف بوصول اسناد و مدارک و دارائی شرکت نمود.

م- الف ۱٦۰۵۵

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تعیین نماینده درشرکت خارجی یونیون کار باید میدل‌ایست لیمتد ثبت شده بشماره ۷۵۵

باستناد اصل و ترجمه مصدق وکالت نامه مورخ ۲٤ ژوئن ۱۹۸۰ شرکت مزبور آقای (علی) موحدی بعنوان وکیل شرکت مزبور درایران تعیین شده است و اختیارات نامبرده بشرح وکالت‌نامه خواهد بود.

م-الف ۱٦۰۵۱

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت داربست فلزی آهن بست با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۵۰۵۱

باستناد صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۵۹/۳/۲۵ اولاً آقایان اصغر نوروزی برجعلی نان‌پزان و اکبر حسین‌زاده اردکانی با دریافت کلیه سهم‌الشرکه خود از شرکت خارج گردیدند ثانیاً آقایان محمدعلی حاجی قربانی، محرم بالوانه، نوروزعلی شکری، رمضان برزگر غلامی و ایوب هاشمپور هریک با پرداخت مبلغی بصندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را هریک بمبلغ دویست وهشتاد هزار ریال افزایش دادند و در نتیجه درسرمایه شرکت تغییری حاصل نشده و میزان سهم‌الشرکه شرکای فعلی بشرح فوق میباشد.

م- الف ۱٦۰۵٦

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت هالیدی بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۷٦۹۸

بموجب تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۵۹/۲/۳۰ تغییرات زیر درشرکت مذکور بعمل آمد ۱- موضوع شرکت بشرح زیر اصلاح گردید ماده ۳ موضوع شرکت: الف- ترابری هوائی که صدور بلیط مسافرت هوائی، ذخیره‌جا، صدور بارنامه ویاهرگونه اقدام دیگر مربوط به ترابری هوائی ومسافروکالا باشند جهانگردی که خدمات لازم در زمینه تنظیم برنامه مسافرت افراد وگروهها وگشتهای خارجی واقدام بهرگونه که باموضوع شرکت ارتباط داشته باشد ۲- سرمایه شرکت ازمبلغ ده میلیون ریال بمبلغ بیست میلیون ریال افزایش یافت ومیزان سهم‌الشرکه هریک ازشرکاء بشرح زیر میباشد الف- آقایان محمد فرزانه ومهدی فرزانه هریک مبلغ سه میلیون وپانصد هزارریال ب- آقایانج‌داود فرزانه ومحمود فرزانه ودوشیزگان معصومه وفاطمه مرجان فرزانه هریک مبلغ یک میلیون وپانصدهزارریال ج- آقایان علیرضا فرزانه ومحمود فرزانه ودوشیزه هاله فرزانه هریک مبلغ دومیلیون ریال- آقای سیدرضا مصلح تهرانی مبلغ یک میلیون ریال ۳- کلیه اوراق واسناد بهادار- چکها- سفتهها بروات واسناد رسمی وتعهد آور با امضای سه نفر ازچهارنفر اعضای هیئت مدیره آقایان محمد فرزانه- مهدی فرزانه داود فرزانه وسیدمحمدرضا مصلح تهرانی متفقاً وبامهرشرکت اوراق عادی واداری که جنبه مالی نداشته باشد باامضای هریک ازاعضای هیئت مدیره به تنهائی معتبر میباشد.

م- الف ۱٦۰۵۷

اداره کل ثبت شرکتها وموسسات غیرتجاری تهران

آگهی اصلاحی

درشماره ۱۵ این روزنامه آگهی مربوط به شعبه ۳ دادگاه عمومی تهران پرونده کلاسه ۱٤۸٦/۵۸ درصفحه ۷ و سطر ۷ آگهی پس از کلمه برای (حاجی رحیم خان) از قلم افتاده که بدینوسیله تصحیح میگردد

مدیر دفتر شعبه ۳ دادگاه عمومی تهران

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیما

زیرنظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

خیابان سپند شماره ۲٦ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱٤

ضرورت گسترش کشاورزی در زمان جنگ

صنایع در آلمان با وجود آنکه بازماندگان از درجه تخصص و نیروی فنی خوبی برخوردار بودند چند سالی بطول انجامید، ولی بخشی از اقتصاد که میتواند چه در دوران جنگ و چه پس از آن با سرعت فعالیت کند، بخش کشاورزی میباشد که میتواند سرنوشتساز گردد.

ملت ایران پس از پیروزی انقلاب با کمال تأسف از مدیران لایقی در این بخش برخوردار نبوده نزدیک به بیست ماه از پیروزی حق بر باطل در میهن ما میگذرد و اینک سومین وزیر کشاورزی و عمران روستائی دوران انقلاب برگزیده شده است ولی این سازمان وسیع دولتی که میتوانست در دوران سازندگی با تهیه برنامه‌ای زمان‌بندی شده به دشواریهای کشاورزی و کمبودهای موجود در این بخش بپردازد، کار مثبتی انجام نداده و در راه قطع وابستگی غذائی مردم کوشش شایانی بعمل نیاورده است.

همانطور که بارها اعلام شده، استقلال سیاسی بدون داشتن استقلال اقتصادی کاری دشوار و بیهوده میباشد و در عمل بی‌تفاوت است که کشور نیازمندیهای روزمره خود مانند گندم، برنج و گوشت و روغن و مانند انها را از ابرقدرتها تهیه نماید و یا از کشورهائی که نقش واسطه را داشته باشند و در هر دو حال فروشندگان اصلی همان سازمانهای بزرگ اقتصادی هستند که در گذشته نیز همین نقش را باری میکرده‌اند. میهن بزرگ ما با امکانهای طبیعی و دشتهای پهناور و رودهای خروشان این توانائی را دارد که در چهار فصل سال بیش از دو تا سه بار کشت نماید و نیازمندیهای غذائی مردم را تأمین نماید فقط کاردانی در برنامه‌ریزی و قدرت اجرائی لازم است که نیازها را درک و به اندازه توان آب و خاک و هوای منطقه طرحهای لازم را بعمل آورد و رشته‌های وابستگی را یکی پس از دیگری قطع نماید. اینک در حدود بیست ماه از ساقط شدن نظام سلطنتی وابسته به بیگانه میگذرد ولی ایران هنوز در عمل برای تامین نیازمندیهای روزمره مردم در بند شرکتهای وارد کننده کشورهای دیگر میباشد کار بدستان وزارت کشاورزی وعمران روستائی در این مدت برای سازندگی بهترین فرصتها را از دست داده و باقیمانده کشاورزی ویران شده را نیز بسرحد نابودی کشانده‌اند.

بدستور رهبر انقلاب،مردم امسال زمینهای وسیعی را بزیر کشت گندم آوردند ولی بعلت در احتیار نداشتن بذر سالم و کود خوب و شبکه آبرسانی درست و بالاتر از همه ماشینهای برداشت، قسمت عظیمی از این فرآورده از بین رفت و تولید گندم امسال حتی کمتر از سال گذشته شد. در صورتیکه سطح زیر کشت بیش از سال پیش بود

وزیر وقت که در کشاورزی تجربه‌ای نداشت فقط با توجه بسطح زیر کشت دادن سخن برآورد واعلام داشت، کشور امسال از خرید گندم بی‌نیاز است وگندم لازم در داخل کشور تامین میشود، ولی از طرف دیگر هر شب در روزنامه‌ها به اطلاع رساندند که هزارها تن گندم از خارج خریداری وبه تدریج وارد میشود، کدام را باید قبول نمود؟، آیا هنوز هم دست اندرکاران باید بمردم دروغ تحویل دهند وآگاهیهای نادرست در اختیار مردم گذارند، اکنون با هجوم وحشیانه‌ای که به میهن ما شده است، وقت آن میباشد تا کار بدستان کشور بخود آیند وبرای کشاورزی ایران یک برنامه‌ریزی جنگی کنند.

امرور باید از همه کشاورران خواست به کوشش خود بیفزایند وبخصوص مردمی را که در واحدهای کشاورزی فعالیت میکنند به تولید بیشتر تشویق کرد وهرگز نباید با عملکردهای غلط باعث دلسردی و ناامیدی آنها شد.

چنانچه بعضی از نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی که جوانانی فداکار درآن به یاری کشاورزان میشتابند نبود، شاید اندک فرآورده‌ای امسال هم، بنابودی کشیده میشد.

اینک هزاران واحد کشاورزی، تعطیل شده است که باید هرچه زودتر برای براه اندازی آنها دست بکار شد. جنگ پی‌آمدهای زشتی چون کمبود وحتی قحطی دارد، کار بدستان باید تنگ نظریهای تفرقه‌افکن را کنار گذارند واز تخصص کسانیکه به میهن وانقلاب وفادار مانده‌اند وحاضر به ایثار میباشند، استفاده کنند.

باید به مردم آموزش داده شود که چگونه از صایعه‌های غذائی جلوگیری نمایند.

باید کار بدستان خود بیامورند وبه دیگران هم بیامورند، که در جنگ ملتهای گوناگون چگونه برای افزایش تولید کشاورزی برنامه‌ریزی کرده‌اند.

در جنگ جهانگیر دوم، بعضی از ملتها نه تنها همه خاک بارور خود را به زیر کشت آورده بودند بلکه به همه آموخته بودند تا در جلوی خانه‌ها و باغچه‌ها وحتی گلدانهای خود، گیاههائی چون سبزی وکاهو وسیب‌زمینی بکارند وخانواده را از جهت این ماده‌های غذائی بی‌نیاز گردانند.

برنامه‌ریزی کشاورزی در زمان جنگ نیاز به کاردانی وکارآئی هرچه بیشتر دارد که امید است کار بدستان وزارت کشاورزی وعمران روستائی بی‌درنگ آنرا طرح واجرا کنند واگر دانائی وتوانائی لازم را در خود نمی‌بینند، وجدان انسانی ایجاب میکند تا جای خود را به کسانی بسپارند که دارای ایمان و تخصص وقدرت عمل میباشند.

آسیب رسانی به همبستگی ملی

نیروی کاری که دراختیار کشور است میتواند و باید سازنده و ثمر آفرین باشد و فراهم آوردن زمینه و شرایط این سازندگی و ثمر آفرینی وظیفه و مسئولیت دولت است.

دولت بادر هم شکستن حتی بخشی از نیروی کار ملت، از صلی‌ترین وظیفه خود غفلت نابخشودنی میکند.

هرروز با گروهی از مردم به ستیزه برخاستن و هرروز گروهی از مردم را پریشان کردن و آزرده خاطر ساختن، شیوه درست اداره کشور نیست.

معیار اصلی توانایی و عدالتخواهی حکومتها، شیوه برخورد آنها با مردم کشورشان میباشد و فلسفه سیاسی درست هرحکومت ایجاد اشتغال است، و آماده سازی مردم برای اشتغال.

مردمی که با نثار خون خود در دشت و کوهسار ایران به دفاع از میهن و انقلاب خویش برخاسته‌اند مردمی که با بردباری همه خواستهای حکومت را بی‌چون و چرا به گردن گرفته‌اند، از این بی‌مهری‌ها به شدت آزرده میشوند.

مردم آماده همکاری و همگامی با حکومت هستند و اگر دشواری درمیان است باید با تفاهم کامل و دادگری هرچه بیشتر از میان برداشته شود.

در شرایطی که ایران به جنگی تحمیلی کشیده شده است وبیش از هر چیز به همبستگی ملی نیاز دارد، چرا باید آتش تشنج در یک گوشه از سازمان اداری کشور برافروخته شود. آیا ماجرای در هم شکستن زندگی کارکنان دولت به همین جا پایان میبابد یا اینکه ماجرا دنباله دارد.

چگونه میتوان در جمع بزرگ کارکنان دولت که شاهد این ماجرای غم‌انگیز میباشند، امید شوق سراغ گرفت. مگر میتوان بدون امید و شوق در همه گروههای اجتماعی، جنگ سرنوشت‌ساز کنونی را با پیروزی به پایان برد؟ آنچه که در وزارت ارشاد ملی گذشته است، اینک در جمع همه کارکنان دولت در سرتاسر کشور به زبانهای گوناگون بازگو میشود و از رهگذر آن در این گروه اجتماعی بزرگ افسردگی و بی‌امیدی پدید می‌آید.

چگونه میتوان از یک سو امید و شوق و زندگی مردم را فرو کوفت و از سوی دیگر از آنان همبستگی و ایثار طلب کرد

اگر مردم همبستگی و ایثار خود را نشان داده‌اند، دولت هم باید با دادگری و مهر باایشان روبرو شود.

دولت باید برای همه کارکنان خود اشتغال مناسب فراهم کند و هیچ استدلالی این اصل را به تزلزل نتواند افکند.

دولت باید شیوه‌های مهرآمیز را در برابر مردم وفادار و صمیمی فرونهد که اگر جز این کند، برخود آسیب رسانیده است.

کار انجام شده در وزارت ارشاد ملی نه تنها در خور دوران سازندگی انقلاب نمیباشد بلکه آشکارا نقض قانون اساسی است که بر ایجاد و انحلال و تعطیل وزارتخانه‌ها تشریفهای خاص شناخته. دولت باید ماجرائی را که در وزارت ارشاد ملی گذشته و تنها از روحیه انحصارگری و بی‌اعتنائی به قانون برخاسته بیدرنگ برگرداند.

اقتصاد کشور را باید از تباهی رهانید

که از لحاظ گفتگوهای نظری جای التفات داشت ولی هیچکدام از آنها از ارزشی اجرائی بهرمند نبود.

قلمرو اقتصاد، شرایط واقتضاهای خاص خود را دارد، در این قلمرو بررسی‌های کلی تا آن حد ارزش دارد که بتواند راهنمای عمل در موردهای جزئی قرار گیرد.

اگر کلی‌گوئی چنان باشد که نتواند شیوه اجرا عمل را روشن دارد، دیگر این نوع بررسی از زمینه اقتصادی خارج میشود و به دنیای فلسفه وآرمانشناسی تعلق می‌یابد. وبیشتر بلکه همه نوشتارها وگفتارهای اقتصادی پس از انقلاب از این گونه بوده است ودست بالا، عبارتهائی هم در زمینه فلسفه اقتصادی ادا شده است اما در آنها هیچ دستور وقاعده‌ای که بتواند پایه عمل قرار گیرد حاصل نشد.

بررسی‌هائی هم که در زمینه فلسفه اقتصادی بعمل آمد آنقدر عام بود که حتی نتوانست خطوط کلی ریخت اقتصادی ایران را تعیین کند و از شرایط زمان ومکان خارج بود. وهیچ یاوری در بازشناسی شیوه شکوفاسازی حیات اقتصادی کشور نمی‌نمود.

اقتصاد ایران در عمل از یک نظم وپایه فکری روشن بی‌بهره ماند وبسیاری واژه‌ها و عبارتهای پراکنده درباره فلسفه اقتصادی در رسانه‌های گروهی و سازمانهای اداری کشور به حرکت درآمد.

اقتصاد زیر انبوه این واژه‌ها و عبارتها حیرت‌زده و بی‌تکلیف فرو ماند. و حیات اقتصادی کشور، صورت تلاشهایی پراکنده‌ای بخود گرفت که هدف آنها تنها برطرف کردن نیازهای روزانه بود و هدفهای بلند مدت از اقتصاد، جدا گشت.

برنامه‌ریزی و سیاست اقتصادی به یکباره از حیات عملی اقتصادی رخت بربست و تنها گاه و بی‌گاه، نغمه‌ای درباره لزوم صرفه‌جویی از این یا آن مقام به گوش میرسید، ولی حتی برای صرفه‌جوئی هم مبنای خاصی به دست داده نشد.

بطور خلاصه، در لابلای قاعده‌ها و نهادهای بازمانده از نظام گذشته و تصمیم‌های ناهم‌آهنگ کاربدستان، اقتصاد کشور چون کودکی آواره و بی‌سرپرست، سرگردان ماند.

اینک طفل آواره ی اقتصاد ایران از بی‌پناهی، زخمها بربدن دارد و اگر در درمان آن کوشش نشود، این زخمها چرکین و فلج کننده میگردد.

اینک باید با دقت و حوصله، و به دور از نظریه پردازی جراحتهائی را که بر اقتصاد کشور رسیده است باز شناخت و با آگاهی و هشیاری به درمان آنها برخاست.

تکیه به صرفه‌جوئی و کم مصرف کردن، که اصلی‌ترین رهنمود اقتصادی دولت میباشد، بسیار درست و باید که به بیشترین حد ممکن به موقع اجراء گذاشته شود.

ولی تکیه به صرفه‌جویی به تنهایی هیچ دشواری را از میان نخواهد برد و می‌باید با سرمایه‌گذاری همراه باشد.

حذف کردن سرمایه‌گذاری و شدیدتر کردن صرفه‌جوئی به معنای به فقر بیشتر کشاندن کشور است، فقری که روزافزون خواهد بود و اگر در مداتی به حد تراکم برسد، از میان برداشتن آن به آسانی میسر نمی‌شود.

فقر نیز مانند سرمایه در بستر زمان به تشدید و تراکم خود می‌پردازد و هرچه زمان در فقر بگذرد، لانه کردن فقر در تاروپود حیات ملی وسیعتر و عمیقتر و استوارتر می‌گردد، که در اصطلاح آنرا «فقر متراکم» می‌خوانیم و تراکم فقر، در مجموعه حیات ملی، حالتهائی پدیدار می‌کند که بر کندن آنها با وسیله‌های معمولی ممکن نمی‌شود.

فقر اقتصادی در بستر زمان، فقر فرهنگی و فقر اخلاقی و فقر سیاسی می‌آفریند و این حالتها ی فقر به نوبه خود به تشدید فقر اقتصادی کمک می‌کند و باز دوباره فقر اقتصادی به تشدید دیگر حالتهای فقر یاری می‌رساند.

این تاثیر متقابل فزاینده که میان عاملهائی اقتصادی و غیراقتصادی رخ میدهد پس از گذشت زمان، حالت استواری می‌یابد، یعنی روحیه کار و تلاش و شوق به گرفتن تخصص را سست می‌کند، و قلندرمآبی و بی‌تفاوتی نسبت به هرچه هست را پدید می‌آورد و همگان بی‌پروا از فرو افتادن‌های روحی و فکری و معاشی میشوند، که «بیاسیل غم و خانه زبنیا دبیر»

اگر این حالتها در جامعه پدید آید، در بالا ریشه‌کن آنها به برنامه‌ها و تلاشهای شگرف و خارج از توانائی کشور فقر زده نیاز پیدا میکند.

کشوری که در دور مصیبت خیز «تراکم فقر» فرو می‌افتد به سرعت قدرت سازماندهی و ابتکار و توانائی‌های روحی و عاطفی خود را از دست میدهد و درنتیجه قدرت رویاروئی بافقر و از میان برداشتن وی دربر آیند توانائی‌های ملی باقی نمی‌ماند.

نباید گذاشت که کار به مرحله فقر متراکم برسد باید از آغاز روند تراکم فقر را جلو گرفت، وگرنه آنگاه که فقر پرشد و به تراکم رسید، دیگر از میان برداشتن آن، به «پیل‌ها» نیاز دارد.

برای آنکه فقر به حد تراکم نرسد، به سرمایه‌گذاری پیوسته و بی‌وقفه نیاز است. و دشواری اقتصاد ایران در سه سال گذشته رو به افول رفتن سرمایه‌گذاری است.

می‌باید با سرعت و قدرت روند سرمایه‌گذاری را از توقف به در آورد، تا اندازه فراوانی دراین کار درنگ شده است، و دیگر درنگ بیشتر روا نمی‌باشد، درنگ بیشتر درکار سرمایه‌گذاری خاستگاه دردها و گرفتاریهای جدید خواهد بود، باید به هر صورت و هرترتیب که ممکن است سرمایه‌گذاری را به راه انداخت.

راه افتادن سرمایه‌گذاری به زمینه‌ها و شرایط مناسب حقوقی، روانی، اقتصادی، اجتماعی نیاز دارد این شرایط می‌باید به طور بسیار روشن شناخته و اعلام شود و سپس با ارج و پایدار بماند و مورد عمل قرار گیرد.

اگر قرار است بخش خصوصی هیچ سرمایه‌گذاری نکند، این نظر به روشنی اتخاذ و اعلام گردد و اگر زمینه‌های خاص و اندازه‌های معینی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی درنظر گرفته میشود، باید این زمینه‌ها و اندازه‌ها نیز بطور بسیار دقیق مشخص و اعلام گردد.

اگر قدرت اقتصادی دولت درحدی است که بکلی از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بی‌نیاز است، و یا اگر فلسفه سیاسی و فلسفه اقتصادی دولت آن است که آرام آرام دست بخش خصوصی رااز حیات اقتصادی کوتاه کند، باید در برنامه خود این نظریه را وارد نماید ود رعمل به اجرای آن بپردازد.

زمینه‌های حقوقی سرمایه‌گذاری بازمینه روانی آن ارتباط مستقیم دارد، دولت نباید تصور کند که با اجرای مانورهای گمراه کننده می‌تواند بخش خصوصی را به میدان سرمایه‌گذاری بکشد و سپس دست آن را از کارها کوتاه کند.

مبهم بودن شرایط حقوقی سرمایه‌گذاری خواه و ناخواه، شرایط روانی نامساعد برای این کار برمی‌انگیزد و پدید آمدن چنین شرایط نامساعدی، همه امکان‌های سرمایه‌گذاری را نابود می‌سازد.

حکومت نباید مقاصد خود را پنهان نگاه دارد و در نهان به انجام رساند، حکومت باید هدف و روش خود را بطور دقیق روشن سازد و اعلام کند و همه تصمیمها را با آنها انطباق دهد.

گفتگو راجع به مقاصد حکومت نیست، راجع به چگونگی اجرای این مقاصد است و در این نوشتار به هیچ روی در زمینه شرایط فعالیت بخش خصوصی پیشنهادی طرح نمیگردد بلکه فقط یادآوری میشود که در هیچ صورت و با هیچ استدلالی قابل قبول نیست که حکومت از یک

بقیه در صفحه هشتم

آدمان ملت
ارگان حزب ملت ایران
دوره پنجم سال یکم شماره ۲۷

از خبرهای هفته

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران در رابطه با ادعاهای بی‌اساس رژیم بعث عراق

جمعیت حقوقدانان ایران دربیانیه‌ای ادعاهای بی‌اساس رژیم بعث عراق را مورد تحلیل قرار داده و از کلیه مردم جهان خواسته است که با تمام قوا، تجاوز عراق به ایران را محکوم و از ایران پشتیبانی نمایند.

دراین بیانیه، جمعیت حقوقدانان ایران ضمن برشمردن خطوط قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، اعلام کرده است که این قرارداد کلاً بنفع عراق بوده و نهایتاً مطالبی پذیرفته شده است که درقرار داد قسطنطنیه قبلاً مورد قبول کشورهای جهان قرار گرفته است.

دراین بیانیه همچنین آمده است:

«.... عراق بهانه تراشی میکند. زیرا گمان میبرد که ایران ضعیف شده و اینک بهترین موقع برای تجاوز است، بهترین موقع برای آنست که خرمشهر، این مروارید شط‌العرب را بچنگ آورد، چاههای نفت خوزستان را متصرف شود و ازطریق چنگ انداختن برجزایر ایرانی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی، سلطه خود را برخلیج‌فارس تثبیت کند.

این واقعیات حقوقی را یادآور شدیم تا دنیا بداند که تجاوز صدام‌حسین یک تجاوز ظالمانه است و فاقد هرگونه مبنای حقوقی و انسانی است و مردم ایران تاراندن تجاوزگران از خاک خوداز پای نخواهند نشست و اینک وظیفه مردم شرافتمند جهان است که از ملت ایران دربرابر این تجاوز حمایت کنند.»

هم‌آهنگی ابرقدرتها

– سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق با ادموند ماسکی، وزیرخارجه آمریکا، ملاقات کرد. دراین ملاقات ماسکی ضمن یادآوری اهمیت منطقه و منابع نفتی آن برای غرب به آقای حمادی، تصمیم آمریکا را مبنی برکمک به دفاع از دوستان(!) خود و همچنین علاقه آن کشور را به جلوگیری از توسعه نبرد درمنطقه مورد تأکید قرار داده است.

جالب اینجاست که این ملاقات و اظهارات وزیرامور خارجه آمریکا درحالی صورت میگیرد که روسیه رژیم عراق را «ضدامپریالیست» و «ضدآمریکائی» میداند.(!)

میزان منواکسیدکربن هوا، از چهار هزار تن به چهارصد تن کاهش یافته است.

دکترتقی ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در یک مصاحبه مطبوعاتی پیرامون اثرهای هفته بسیج ترافیک اعلام داشت:

«در هفته بسیج، بعلت ممنوعیت استفاده از اتوموبیل در شهر تهران، میزان منواکسیدکربن هوا که قبل از هفته بسیج چهار هزار تن بود به چهارصد تن ومواد نفتی نسوخته از پنجاه وهشت تن،تقلیل یافته است. در همین رابطه میزان سرب موجود در هوا از پنج تن به پانصد کیلو کاهش یافته است.»

دکترتقی ابتکار در همین مصاحبه گفت:

«ما از مسولین امر میخواهیم که جهت رفاه مردم، سیستم ترابری جمعی را گسترش دهند وبا افزایش وسائط نقلیه عمومی وهمچنین تشویق مردم به دوچرخه‌سواری، در کاهش آلودگی هوا سعی نمایند.»

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در پایان این مصاحبه افزود:

«تاکید ما بر افزایش فضاهای سبز در مناطق مختلف تهران وهمچنین دیگر شهرهای بزرگ میباشد تا با این امر نیز تاحدی در کاهش آلودگی هوا اقداماتی انجام گیرد.»

هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران، پایان گرفت

هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران همراه با آئین ویژه‌ای که صبح روز سه‌شنبه هفته گذشته برگزار شد، پایان گرفت. در این آئین نمایندگان کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه و جمعی از کاربدستان ایران حضور داشتند. رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران در این آئین گفت:

«هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران موقعیت مناسبی بوجود آورد که در خلال آن بازرگانان و صنعتگران ما توانستند از نزدیک با دست آوردهای جدید علمی و تکنولوژی و کالاهای عرضه شده در نمایشگاه آشنا شوند و به منابع جدیدی از عرضه کالا دست یابند.»

این آئین باتوزیع هدیه‌هائی میان نمایندگان کشورها و مؤسسات شرکت کننده در نمایشگاه، پایان گرفت.

در حاشیه جنگ ایران و عراق

– فیدل کاسترو اعلام کرد کشورش تلاشهای خود را برای یافتن یک راه‌حل سیاسی و عادلانه در مورد جنگ ایران و عراق، همچنان دنبال میکند.

– با انفجار لوله نفت عراق– ترکیه، شریان حیاتی عراق قطع شد. مجاهدان ارتش آزادیبخش عراق مسؤولیت این انفجار را بعهده گرفتند. این خط لوله سالانه سی وپنج میلیون تن نفت به غرب صادر میکرد.

– اسپانیا و برزیل خواستار حل مسالمت‌آمیز بحران ایران و عراق شدند.

– جیمی کارتر برای اولین بار از آغاز جنگ میان ایران و عراق اعلام کرد که تنگه هرمز بایستی آزادانه برای رفت‌وآمدهای دریائی باز بماند.

– سازمان آزادیبخش فلسطین از اعراب خواست از طرح صلح عرفات پشتیبانی نمایند.

– همزمان با آشکار شدن علامتهای شکست در نیروهای عراق، لحن رادیوهای کشورهای حوزه خلیج فارس بنفع ایران تغییر کرد.

– جهت تأمین کمبود نفت ناشی از جنگ عراق وایران، امارات متحده عربی تولید نفت خود را افزایش میدهد.

– حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی اعلام کرد: از یاسرعرفات خواستم در مورد ایران وعراق نظرش را بطور روشن بیان کند.

– حزب دموکرات کردستان عراق با انتشار اطلاعیه‌ای از جمهوری اسلامی ایران اعلام پشتیبانی نمود واز تمام نیروهای مخالف در عراق دعوت کرد تا علیه صدام حسین قیام کنند.

– جمعیت کردهای مقیم مرکز در اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن حملات رژیم فاشیستی عراق به ایران، اعلام کرد حمله عراق به ایران برای شانه خالی کردن بعثی‌ها از مبارزه با صهیونیسم است.

– وزیر خارجه عراق در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: به سختی میتوان خسارتهای نفتی عراق را تخمین زد و باوجود صدمات وارده صادرات این کشور کاملاً قطع نشده است.

– صدراعظم اتریش گفت امیدوار است که بزودی جنگ عراق و ایران تمام شود تاصدور نفت به غرب درخطر نباشد. (!)

– وزارت مسکن و شهرسازی اعلام کرد ساختمانهائی که در جنگ آسیب دیده‌اند، بازسازی میشوند.

– اداره وظیفه عمومی اعلام کرد مراجعه منقضی خدمتهای سال ۱۳۵۶، بسیار زیاد و دور از انتظار بوده است.

– وزارت امور خارجه ایران از همه‌ی کشورها خواست که مواضع خود را درمورد جنگ عراق با ایران اعلام کنند.

وزارت خارجه دربیانیه خود گفته است: زمان بی‌طرفی سپری شده است، کشورها یا باید عراق را انتخاب کنند یا ایران را.

– یاسرعرفات ضمن اعلام بی‌طرفی خود، از سازمان‌های مقاومت فلسطین خواست بی‌طرفی کامل خود را درمورد جنگ ایران و عراق باطلاع عموم برسانند. (!)

– خبرگزاری فرانسه گزارش داد: تاس، خبرگزاری روسیه، بطور غیرمستقیم یادآور شده است که درسالهای قبل روسیه با بغداد پیمان همکاری بسته است و درصورت بروز هرنوع تهدیدی به کشور دوست خود عراق، ناچار است اقدامات لازم برای نجات این کشور را انجام دهد.

– رئیس شرکت دولتی خطوط لوله‌های نفت ترکیه گفت تعمیر لوله‌های نفت عراق در ترکیه، حداقل یکماه بطول خواهد انجامید.

– ایران خرید اسلحه از انگلیس را تکذیب کرد.

– یونایتدپرس از پاریس گزارش داد برطبق اطلاع کمیسیون انرژی اتمی فرانسه هواپیماهای جنگی ایران قسمتی از مرکز تحقیقات هسته‌ای ساخت فرانسه را در بغداد منهدم کردند و این امر سبب بسته شدن این مرکز تا تاریخ نامعلومی گردیده است.

– دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد تا آنجا که به ایران مربوط میباشد، باز نگاه داشتن تنگه هرمز را تضمین مینماید.

– آمریکا چهار هواپیمای آواکس به عربستان سعودی تحویل داد.

– سرپرست سازمان غله کشور اعلام داشت مصرف غله کشور کاملاً تأمین شده است.

– روزنامه تشرین، چاپ دمشق، نوشت: عراق دشمن ملتها و کشورهای عربی است.

– فرمانده لشگر ۹۲ زرهی اهواز گفت در میان اسراء نظامی، افرادی از اردن، عمان، مصر و اسرائیل وجود دارند.

– فرانک چرچ، رئیس کمیسیون امور خارجی سنای امریکا، اعلام کرد آمریکا باید آمادگی بازنگهداشتن تنگه هرمز را داشته باشد.

– امیر بحرین با سفیر عراق ملاقات کرد.

– برژنف و رئیس جمهوری هند در مورد جنگ عراق و ایران مذاکره کردند.

– عربستان به درخواست لیبی برای تشکیل فوق‌العاده کنفرانس سران کشورهای اسلامی، پاسخ مثبت داد.

– ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری، در مصاحبه‌ای با یک رادیوی فرانسوی تاکید کرد که ایران موفق شده است قطعات یدکی برای ابراز جنگی خود را بحد کافی برای جنگیدن تا روزی که سرزمینهای ایران بطور کامل از زیر یوغ غاصبین آزاد شوند، تأمین کند.

– سفیر ژاپن در ایران، خبر تأمین قطعات یدکی نظامی ایران را که از سوی «نعیم حداد»، سخنگوی مجلس عراق، عنوان شده بود، تکذیب کرد.

– کارتر ضمن اعلام بیطرفی مجدد امریکا در جنگ ایران وعراق گفت آمریکا خواهان آنست که ایران یک کشور امن باشد ومردم آن خودشان دولتشان را انتخاب کنند. (!!)

– روزنامه گاردین نوشت محاسبات عراق در حمله به ایران کاملاً غلط بوده است.

– دوخبرنگار فرانسوی بدلیل گزارش خبر حمله نیروی هوائی ایران به مرکز تحقیقات اتمی عراق، از آنکشور اخراج شدند.

احترام به مردم

درروزهائی که فضای میهن از شور بی‌مانندی سرشار است و هرکلام، مفهومی ویژه دارد. درحالیکه همبستگی درمیان همه‌ی گروههای اجتماعی اوج گرفته و درکوچه و خیابان شهرها، همه با هم به دفاع از حاکمیت ملی برخاسته‌اند.

آوای ناخوشایند برخی از دست‌اندرکاران و سازمانهای اداری که هر سهل‌انگاری و ندانم‌کاری را مارک «ضدانقلاب» می‌زنند، دلهای بسیاری از مردم را آزرده ساخته است.

وزارت نیرو که درمیان دیگر سازمان‌های کشوری به دلیل شرایط جنگی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و باید دربرخورد با مردم از تمامی زیروبم‌های حساس روان شناسی اجتماعی بهره‌گیری کند و کلمه به کلمه اعلامیه‌هایش حساب شده باشد، کمتر به این نکته توجه مینماید و با استفاده از عبارت «ضدانقلاب» درمورد شهر وندانی که دررعایت خاموشی چراغها، دچار اندک غفلتی می‌شوند به همبستگی ملی آسیب می‌رساند.

جالب توجه است که برخی از شهروندان از خود راضی نیز با تکیه به چنین «سرمشق‌هائی» درحالیکه سراسر شهر درخاموشی فرورفته است و ازیک نظم انقلابی حکایت می‌کند، اگر برای چند لحظه کورسوئی به چشم آید، با لحن اهانت‌آمیزی، فریاد بر می‌آورند «خاموش کن»، «چراغت را خاموش کن».

حال آنکه اگر کار بدستان گفتار و کردار درست داشتند و دربرخورد با چنین رویدادهائی درنهایت مهر، گوشزدهائی میکردند، درسی بود برای همگان که با یکدیگر رفتاری همراه با ادب داشته باشند.

هنوز هم دیرنشده است. احترام به مردم از ابتدائی‌ترین بنیادهای حکومت کردن می‌باشد، آنرا بیاموزید تا همگان نیز بیاموزند و کنش‌ها و واکنش‌هایشان را انسانی سازند.

اقتصاد کشور...

بقیه از صفحه ۷

سو، به بخش خصوصی اعتبارهای پراکنده و رنگارنگ و کوچک و بزرگ عطا کند، و از سوی دیگر به بلوکه کردن پس‌اندازها در بانکها بپردازد.

این گونه سیاستهای اقتصادی نا هم‌آهنگ پیش گرفتن، به سست کردن اعتبار اخلاقی تصمیم‌های حکومت می‌انجامد که در مآل خود شدیدترین ضربه بر انسجام اقتصادی کشور است.

سیاستها و تصمیم‌های اقتصادی دولت باید روشن، قاطع، مشخص، عادلانه و توجیه پذیر باشد و در اخذ هر سیاست باید پیامدهای گوناگون و کوتاه مدت و بلندمدت آن را در نظر گرفت و براساس چنین سیاستهائی سرمایه‌گذاری را سامان بخشید.

در حالت جنگی‌به‌سربردن‌نیز براین نظر خدشه‌ای وارد نمیکند، دولت در حالت جنگ هم باید اساس سیاست کلی خود را حفظ و اجراء نماید، در لحظه حاضر نیز مبادرت به سرمایه‌گذاری ضرورت قطعی دارد.

در میهن پهناور ما، زمینه‌های گوناگون کار و تلاش موجود است و به سرعت میتوان در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کرد.

حکومت وظیفه دارد، بی‌درنگ طرحهای گوناگون سرمایه‌گذاری را در ناحیه‌های مختلف به موقع اجراء بگذارد و در هر طرح هم میتواند از پس‌اندازهای کوچک، به شیوه تضمین بازده، بهره برگیرد. توقف باکندی سرمایه‌گذاری دولت، در کنار آسیبهای جنگی وضع ناگواری براقتصاد فردای ایران عرضه میدارد.

برای غلبه برآن باید به سرمایه‌گذاری گسترده و دور از جنجالهای تبلیغاتی دست زد و این کاری است شدنی و آسان.

همپای با صرفه‌جوئی ملی می‌باید بدین کار دست زد و گرنه صرفه‌جوئی بدون همراهی با سرمایه‌گذاری به فقر سیاهی خواهد انجامید که حتی در مدت کوتاه هم خسارتهای جبران‌ناپذیر دارد.

ملت ایران، جنگ را در همه زمانها و همه مکانها پذیراست